۸صبح

روایت دیروز | آئینه امروز | نوید فردا

- سال سیزدهم
- شماره ۳۵۴۷
- دوشنبه
- ۴ حوت ۱۳۹۹
- ۲۲ فبروری ۲۰۲۱
- قیمت: ۲۰ افغانی

تاخیر در معرفی نامزدوزیران؛

ارگ به قانون پُشت کرده است؟

۳

بازگشایی مکاتب و دانشگاه‌ها؛

پوشیدن «ماسک» هم‌چنان اجباری است

با گرم شدن هوا و نزدیک شدن سال جدید تعلیمی و تحصیلی، نهادهای آموزشی تصمیم گرفته‌اند که مکاتب و دانشگاه‌ها را زیر شرایط ویژه صحی بازگشایی کنند. مسوولان نهادهای آموزشی می‌گویند با توجه به این‌که در حال حاضر موج دوم ویروس کرونا سیر نزولی خود را می‌پیماید و خطر مبتلا شدن به این ویروس کاهش یافته، مکاتب و دانشگاه‌ها باید بازگشایی شود. این مسوولان اما تأکید دارند که دانشجویان و دانش‌آموزان نباید فراموش کنند که خطر مبتلا شدن به ویروس کرونا هم‌چنان وجود دارد. آنان تصریح می‌کنند که دانشجویان و دانش‌آموزان باید توصیه‌های صحی از جمله پوشیدن ماسک و رعایت کردن فاصله اجتماعی را در نظر بگیرند. در همین حال وزارت صحت عامه نیز می‌گوید که موج دوم ویروس کرونا سیر نزولی پیدا کرده و اکنون مکاتب و دانشگاه‌ها می‌توانند فعالیت‌شان را آغاز کنند.

۳

راه حلی بر تمامیت‌خواهی بی‌اقتدار و اشراف با اقتدار

در دوره‌های شاهی مطلقه، مردم، مخصوصاً بلندپایه‌های حکومتی و حاضران دربار شاه، در اصل شرکای قدرت نه، بلکه بخشی از رعیت و فرمان‌برداران شاه بودند. وطن و قدرت از شاه بود. شاه خوش‌خدمتی‌های فرمان‌برداران را درنظر گرفته، از وطن و قدرت خود موقفی، مقامی یا مسوولیت اجرایی به آن‌ها لطف می‌کرد.

۴

بن‌بست مذاکرات دوحه؛

آیا به یک فرمول جدید نیاز است؟

۷

کمیسیون حقوق بشر از دولت خواست برای حفظ و بهبود زبان‌های محلی اقدام کند

۸صبح، کابل: کمیسیون مستقل حقوق بشر در روز جهانی زبان مادری از دولت خواسته است که برای تنوع و بهبود زبان‌های بومی، میراث‌ها و سرمایه‌های فرهنگی کشور برنامه‌های نتیجه‌بخش را طرح و اجرا کند.

طبق اعلام کمیسیون مستقل حقوق بشر، با توجه به وضعیت جنگی، فقر و پایین‌بودن سطح سواد در کشور، زبان‌های بومی افغانستان در وضعیت دشواری قرار دارد.

کمیسیون مستقل حقوق بشر روز یک‌شنبه، سوم حوت با نشر خبرنامه‌ای گفته است که زبان‌های پامیری و اویغوری با خطر جدی روبه‌اند و دسترسی به آموزش معیاری به زبان مادری برای بسیاری از گروه‌ها دشوار است.

این نهاد از وزارت معارف خواسته است که متن‌های درسی را برای تمام گوینده‌گان زبان‌های کشور تهیه و دسترس‌پذیر کند.

سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، ۲۱ فبروری را روز جهانی زبان مادری نام‌گذاری است.

در قانون اساسی افغانستان افزون بر این‌که زبان‌های فارسی و پشتو به مثابه زبان‌های رسمی دولت یاد شده است، زبان‌های محلی و بومی به تناسب گوینده‌گان آن به عنوان زبان سوم به رسمیت شناخته شده است. قانون اساسی دولت را به رشد زبان‌ها ملزم کرده است.

روند تطبیق واکسن کرونا در کشور در جریان هفته جاری آغاز می‌شود

۸صبح، کابل: وزارت صحت عامه می‌گوید که قرار است برنامه تطبیق واکسن کرونا در کشور در جریان هفته جاری به صورت رسمی آغاز شود.

دستگیر نظری، سخنگوی وزارت صحت عامه روز یک‌شنبه، سوم حوت به روزنامه ۸صبح گفت که زمان دقیق آغاز برنامه تطبیق واکسن کرونا هنوز مشخص نشده است.

نظری احتمال داد که روز چهارشنبه هفته جاری تطبیق واکسن کرونا در برنامه‌ای در ارگ ریاست جمهوری آغاز شود.

افغانستان ۵۰۰ هزار دوز واکسن کرونا ساخت هند را دریافته است. قرار است با این مقدار، حدود ۲۵۰ هزار تن در کشور واکسن شوند.

شورای امنیت ملی به وزارت صحت عامه دستور داده است که گروه‌های معروض به خطر، نیروهای

امنیتی، کادر درمانی و خبرنگاران را در اولویت قرار دهد.

نخستین محموله واکسن که از سوی هند به افغانستان کمک شده بود، در نوزدهم دلو به کابل رسید.

واکسن «کوویشلید» ساخت هند که به افغانستان اهدا شده است در آن زمان از سوی سازمان صحی جهان جهان تأیید نشده بود، اما این سازمان چند روز پیش استفاده از واکسن کرونا ساخت هند را تأیید کرد.

وزارت صحت عامه می‌گوید که برای ۲۰ درصد جمعیت کشور واکسن کرونا تدارک شده است و قرار است برای ۴۰ درصد دیگر جمعیت کشور نیز واکسن کرونا از سوی شرکای صحی افغانستان کمک شود.

براساس آمار رسمی، در افغانستان تاکنون بیش از ۵۵ هزار نفر به ویروس کرونا مبتلا شناسایی شده‌اند. از این میان، بیش از دو هزار نفر بر اثر ابتلا به ویروس کرونا جان باخته‌اند.

گفته شده است که اگر ۶۰ درصد جمعیت کشور واکسن کرونا را دریافت کنند، معافیت کلته‌ای در برابر این ویروس شکل خواهد گرفت.

آیا شفاخانه غور برای نابودی اسناد فساد آتش گرفت؟

در پی آتش‌سوزی در شفاخانه کووید-۱۹ ولایت غور، بیش‌تر از دو میلیون افغانی وسایل اداری این مرکز درمانی در آتش سوخت. کنش‌گران مدنی این رویداد را مشکوک دانسته و از احتمال «عمدی بودن» آن برای نابود کردن اسناد مهم فساد مالی نگران هستند. براساس ادعای موجود، در شفاخانه ولایتی کووید-۱۹ غور، بودجه کرونا حیف‌ومیل شده و احتمال دارد...

۸

۸صبح
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا
سال سیزدهم
شماره ۳۵۴۷
دوشنبه
۴ حوت ۱۳۹۹
۲۲ فبروری ۲۰۲۱
قیمت: ۲۰ افغانی

زنگ اول

پروسه صلح افغانستان و بازگشت جهان به سیاست متعارف

دونالد ترمپ سیاست خارجی امریکا را که گفته می‌شد، مانند کشتی بزرگی به ندرت و به تدریج تغییر می‌کند، در زمان خود به سمت تغییرات رادیکال و نامتعارف برد. راه‌اندازی جنگ تعرفه‌ها با چین، حمایت از سیاست‌های رادیکال نتانیاهو در منازعه اسرائیل و فلسطین، خروج از برجام و معاهده اقلیمی پاریس، در کنار دیدار او با رهبر کوریای شمالی و حتا تصمیم دعوت رهبری طالبان به امریکا، از او سیاست‌مدار غیرقابل پیش‌بینی و اهل قمارهای بزرگ در اذهان عامه جهان ترسیم کرده بود. چنین تغییرات رادیکالی از کم‌تر کشور مهم جهان قابل تصور است، ترمپ اما سیاست خارجی امریکا را دچار تغییرات رادیکال کرد.

پس از انتخابات امریکا و روشن شدن پیروزی جو بایدن، نامزد حزب دموکرات، جهان نفس راحتی کشید. بسیاری از کشورهای جهان از ناحیه سیاست‌های تندروانه و نامتعارف ترمپ احساس ناراحتی و حتا هراس می‌کردند. در این میان تیم اشرف غنی شاید بیش از همه از شکست ترمپ سود برد. جو بایدن در صحبت‌هایش در روز ادای سوگند ریاست جمهوری، جهان را به دیپلماسی فراخواند، معنای تلویحی حرف او، این بود که امریکا از مدار دیپلماسی سیاست جهانی، در دوران ترمپ خارج شده بود.

حکومت افغانستان که با مذاکره با طالبان شرایط سنگینی، چون رهایی بی‌چون‌وچرای ۵ هزار زندانی طالب بر آن تحمیل شده بود، پس از رفتن ترمپ دوباره اعتماد به نفس از دست رفته‌اش را باز یافته است. وزیر خارجه امریکا حتا پیش از مراسم سوگند جو بایدن اعلام کرد که اداره بایدن توافق‌نامه دوحه میان امریکا و طالبان را بررسی خواهد کرد. هم‌زمان با آن، دبیرکل ناتو حرف از مشروط ساختن خروج قوای ناتو با پایان موفقیت‌آمیز پروسه صلح زد و وزیر خارجه آلمان هم از هرگونه خروج غیرمسوولانه هشدار داد. وزرای دفاع ناتو در نشست‌شان به تاریخ ۱۷ فبروری نیز یک‌بار دیگر ضمن تأکید بر ادامه دیپلماسی صلح، گفتند که توافق‌نامه دوحه، طالبان را در موقعیت برتر قرار داده است. رییس جمهور غنی نیز در آخرین اظهاراتش قصه اداره موقت را پایان یافته خوانده است. این حرف‌های رییس جمهور نشان می‌دهد که زمان امتیازهای بی‌حساب و کتاب به طالبان پایان یافته است. طالبان دو راه بیش‌تر ندارند: یا باید با جهان خود را عیار بسازند و به صلح آبرومند تن دهند، یا به سمت جنگ خونینی با جهان گام بردارند.

چندی پیش ملا برادر در نامه‌ای مردم امریکا و دولت آن کشور را خطاب قرار داده بود. او در این نامه از امریکایی‌ها خواسته بود که با ماندن پای توافق‌نامه دوحه بر جنگی که می‌تواند خسارات هنگفتی به هر دو طرف وارد کند، نقطه پایان بگذارند.

برخلاف سخنان اولیه طالبان که می‌گفتند در صورت عدم خروج امریکایی‌ها، آن‌ها جنگ بزرگی را به راه خواهند انداخت، این بار، ملا برادر در نامه‌اش از لحن غیر تهدیدآمیز کار گرفته و امریکایی‌ها را به متعهد ماندن به توافق‌نامه دوحه دعوت کرده است.

چیزی که عجیب است، این است که طالبان اگر چنین رویه‌ای را در برخورد با مخالفان داخلی‌شان پیشه کنند، بدون شک می‌توان به پایان جنگ امیدوار بود. طالبان قبلاً به شماری از اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت در دوحه گفته بودند که آن‌ها اول مشکلات‌شان را با امریکایی‌ها حل خواهند کرد و سپس با هیأت مذاکره‌کننده دولت وارد گفت‌وگو خواهند شد.

چیزی که روشن است، این است که کنار رفتن ترمپ، طالبان را سراسیمه ساخت، آن‌ها پس از روی کار آمدن اداره بایدن دیگر به میز مذاکرات برنگشتند و به جای آن به سفرهای پی‌هم در سطح منطقه پرداختند. عباس استانکزی در سفرش به مسکو بیان کرد که اگر غنی استعفا دهد، آن‌ها به میز مذاکره بر خواهند گشت و مشکلات پیش آمده رفع خواهد شد.

چیزی که مسلم است، این است که طالبان هنوز در انتظار موضع رسمی حکومت امریکا در قبال توافق‌نامه دوحه هستند. امریکایی‌ها می‌گویند که آن‌ها هنوز در حال بررسی و بازنگری اند و موضع رسمی‌شان را اعلام نکرده‌اند. شکی نیست تا زمانی که موضع رسمی امریکایی‌ها به گونه رسمی در قبال گفت‌وگوهای دوحه اعلام نشود، این گفت‌وگوها با بی‌سرنوشتی روبه‌رو خواهد بود.

انگلا مرکل در تازه‌ترین مورد حرف از تمدید مأموریت نظامیان کشورش در چارچوب نیروهای ناتو زده است. این تغییرات یک مسأله را روشن می‌سازد، این‌که مذاکرات صلح افغانستان که در زمان ترمپ از مسیر یک مذاکره متعارف خارج شده بود، اکنون در مسیر متعارف قرار گرفته است. سرنوشت مذاکرات فقط و فقط وابسته به مشارکت عاقلانه طرف‌ها در چنین شرایطی است.

شورای امنیت ملی:
توافق‌نامه دوحه برای روند صلح موثر نبود و خون‌ریزی را متوقف نکرد

۸صبح، کابل: شورای امنیت ملی می‌گوید که امضای توافق‌نامه صلح بین امریکا و طالبان، نه برای صلح موثر بود و نه هم جنگ و خون‌ریزی را در کشور متوقف کرد.

رحمت‌الله اندر، سخنگوی دفتر شورای امنیت ملی روز یک‌شنبه، سوم حوت در آستانه یک‌ساله‌گی امضای توافق‌نامه صلح بین امریکا و طالبان گفت که درباره این توافق‌نامه با دولت افغانستان مشورت‌های ضروری انجام نشده بود.

به گفته اندر، به همین دلیل توافق‌نامه دوحه برای صلح موثر نبود و خون‌ریزی را در کشور متوقف نکرد و به روزگار بد افغان‌ها نیز نقطه پایان نگذاشت.

سخنگوی دفتر شورای امنیت ملی انتقاد کرد که در این توافق‌نامه اصطلاحاتی به کار رفته است که معافیت و رضایت با بخشی از جنگ در کشور را نشان می‌دهد.

رحمت‌الله اندر گفت که در این توافق‌نامه تلفات انسانی با اعداد اندازه‌گیری می‌شود و اصطلاحات مثل کاهش خشونت نشان‌دهنده رضایت با بخشی از جنگ جاری در کشور است.

سخنگوی شورای امنیت ملی گفت که دولت افغانستان نمی‌خواهد حتا یک قطره خون در کشور ریخته شود.

به گفته او، حفاظت افغانستان مسوولیت دولت است و به مسایل صلح، جنگ و سایر موارد از این منظر نگاه می‌کند.

توافق‌نامه دوحه در دهم حوت سال گذشته بین امریکا و طالبان امضا شد. طالبان تعهد کردند که روابط خود را القاعده و دیگر گروه‌های تروریسی قطع می‌کنند، خشونت‌ها را کاهش می‌دهند و مسیر مذاکرات معنادار را در پیش می‌گیرند.

طالبان متهم شده‌اند که به این تعهدات عمل نکرده‌اند.

در ازای تعهدات طالبان، زمان‌بندی خروج نیروهای خارجی نیز افغانستان مشخص شده است. طبق این توافق‌نامه همه نیروهای خارجی از افغانستان در ماه می سال جاری میلادی باید خارج شوند. تاکنون تصمیمی درباره خروج و حضور نیروهای خارجی به شمول سربازان امریکایی در افغانستان گرفته نشده است. هرچند بخشی از نیروهای امریکایی از افغانستان خارج شده‌اند.

امریکا خروج نیروهای خود را به کاهش خشونت‌ها و اجرای تعهدات طالبان مشروط کرده است. از جانب دیگر، امریکا سرگرم بررسی تعهدات طالبان در این توافق‌نامه است.

طالبان اجرای توافق‌نامه دوحه را یگانه راه حل برای مساله افغانستان می‌دانند. این گروه از دولت جدید امریکا خواسته است که به تعهدات این توافق‌نامه از جمله خروج کامل نیروهای خارجی متعهد بماند.

امنیت ملی از بازداشت اعضای یک هسته مشترک شبکه حقانی و داعش در کابل خبر داد

۸صبح، کابل: ریاست عمومی امنیت ملی از بازداشت اعضای یک هسته مشترک شبکه حقانی و گروه داعش خبر می‌دهد.

طبق اعلام ریاست عمومی امنیت ملی، این هسته وظیفه راکت‌باران مراسم یادبود از عبدالعلی مزاری، میدان هوایی بگرام و میدان هوایی کابل را داشته است.

ریاست عمومی امنیت ملی روز یک‌شنبه، سوم حوت، با نشر خبرنامه‌ای از بازداشت‌شده‌گان به نام‌های جاوید، احمد مرید، روح‌الله، عبدالحفیظ و عبدالجبار نام برده است.

این افراد از ناحیه هفدهم شهر کابل طی یک عملیات ویژه نیروهای ریاست عمومی امنیت ملی بازداشت شده‌اند.

ریاست عمومی امنیت ملی گفته است که بازداشت‌شده‌گان وظیفه نگهداری، انتقال، فعال‌سازی و راکت‌باران بر نواحی مختلف شهر کابل را داشتند.

این ریاست از مراسم یادبود عبدالعلی مزاری، میدان هوایی بگرام و میدان هوایی بین‌المللی حامد کرزی به عنوان اهداف مورد حمله این هسته مشترک شبکه حقانی و داعش یاد کرده است.

مراسم یادبود از عبدالعلی مزاری که همه ساله در دشت برچی از مربوطات ناحیه سیزدهم شهر کابل در دهه سوم ماه حوت برگزار می‌شود از چند سال به این سو هدف راکت‌باران و حمله مسلحانه قرار گرفته است. سال گذشته در حمله مسلحانه به این مراسم ده‌ها تن کشته و زخمی شدند.

ریاست عمومی امنیت ملی در پایان به شهروندان کشور اطمینان داده است که هسته‌های شهری گروه‌های تروریستی را شناسایی کرده و به زودترین فرصت‌ها آن‌ها را بازداشت و یا هدف قرار خواهد داد.

تفاهم‌نامه ترمیم بالاحصار کابل و ساخت پارک باستان‌شناسی آن امضا شد

۸صبح، کابل: تفاهم‌نامه همکاری برای ترمیم دیوارها و ساختمان‌های بالاحصار کابل و ایجاد پارک باستان‌شناسی در ساحه بالاحصار بین وزارت اطلاعات و فرهنگ و نهاد خدمات فرهنگی بنیاد آقاخان امضا شد.

این تفاهم‌نامه از سوی محمدطاهر زهیر، سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ و اجمل میوندی، رییس نهاد خدمات فرهنگی بنیاد آقاخان روز یک‌شنبه، سوم حوت امضا شده است.

براساس این تفاهم‌نامه، نهاد خدمات فرهنگی بنیاد آقاخان دیوارها و ساختمان‌های بالاحصار کابل را ترمیم و استحکام کاری می‌کند و هم‌چنان پارک باستان‌شناسی و تفریحی آن را می‌سازد.

محمدطاهر زهیر در مراسم امضای این تفاهم‌نامه گفته است که بالاحصار کابل قدمت پنج هزار ساله دارد و در گذشته مرکز شاهان کشور بوده است.

به گفته او، بالاحصار کابل یکی از بناهای مهم تاریخی برای افغانستان است و مدت ۲۰ سال مرکز قدرت و سلطنت ظهیرالدین بابرشاه بود.

زهیر توضیح داد که پنج نقطه در کشور شاه‌نشین و مهم بوده است که شامل مناطقی در کابل، بلخ، قندهار، غزنی و بگرام می‌شود.

سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ در این مراسم هم‌چنان از پروژه‌های بنیاد آقاخان در باغ چهلستون، باغ علم گنج (ماشین خانه کابل)، منارپنجم هرات که کار استحکام آن به زودی آغاز می‌شود و هم‌چنان بالاحصار کابل سپاس‌گزاری کرده است.

اجمل میوندی در این مراسم گفته است که بنیاد آقاخان از سال ۲۰۰۲ میلادی تاحال در بخش ترمیم، استحکام، مرمت و حفاظت آبده‌های تاریخی و میراث‌های فرهنگی همکاری خود را آغاز کرده است.

گفتنی است که چندی پیش ارگ ریاست جمهوری از امضای تفاهم‌نامه‌ای بین سفارت هند و بنیاد آقاخان برای بازسازی بالاحصار کابل خبر داده بود. این تفاهم‌نامه در سوم سنبله امسال در ارگ امضا شد. طبق تفاهم‌نامه، هند هزینه بازسازی بالاحصار کابل را پرداخت می‌کرد و امور بازسازی آن را بنیاد آقاخان به پیش می‌برد.

وزیر عدلیه: جایگاه وکیل مدافع و دادستان در یک پرونده و در جریان محاکمه باید همسان باشد

۸صبح، کابل: فضل‌احمد معنوی، وزیر عدلیه کشور می‌گوید که حضور وکیل مدافع در محاکم سبب تأمین عدالت می‌شود و باید جایگاهش با دادستان در یک پرونده همسان باشد.

معنوی این سخنان را در دیدار با مسوول پروژه «دست‌رسی به خدمات با کیفیت عدلی و قضایی» برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) در افغانستان، مطرح کرده است.

وزیر عدلیه در این دیدار که روز یک‌شنبه، سوم حوت انجام شده است، گفته است که مساعدت‌های حقوقی اعتبار اصلی و بخش مهم این وزارت است که به تازه‌گی کمیسیون عالی مساعدت‌های حقوقی نیز به منظور گسترش فعالیت‌های این بخش ایجاد شده است.

فضل‌احمد معنوی افزوده است که نباید همه فعالیت‌ها در شهرها متمرکز باشد و نیاز است این خدمات در ولایت‌های دوردست نیز گسترش یابد.

وزیر عدلیه افزوده است: «تلاش می‌کنیم تا جایگاه وکیل مدافع را تقویت کنیم تا در حد دادستان در قضایا و جریان محاکمه نقش داشته باشد.»

معنوی افزوده است که نباید نقش وکیل مدافع نمادین باشد؛ زیرا حضور او سبب تأمین عدالت می‌شود.

از جانب دیگر، وزیر عدلیه گفته است که کمیسیون عالی مساعدت‌های حقوقی به منظور انسجام کمک‌ها در راستای تقویت و گسترش مساعدت‌های حقوقی، صندوق پولی حمایت از مساعدت‌های حقوقی را ایجاد می‌کند و منظوری آن را از ریاست جمهوری گرفته است تا کمک‌ها منسجم شود و موسسات فعال در این عرصه پاسخ‌گو شوند.

به گفته وزیر عدلیه، در بخش قانون‌گذاری باید تحول اساسی اعمال شود تا نظام قانون‌گذاری با معیارهای روز متوازن و مردم در این روند دخیل شوند. از جانب دیگر، محمدزبیر قانع، مسوول پروژه دست‌رسی به خدمات با کیفیت عدلی و قضایی برنامه توسعه سازمان ملل گفته است که این نهاد در بخش مساعدت‌های حقوقی پروژه «لگف» را پیش می‌برد که از طریق آن ۱۲ ولایت را تحت حمایت قرار داده است که مساعدت‌های حقوقی در این ولایات از طریق موسسات انجام می‌شود. او افزوده است که قرار است ۱۲ ولایت دیگر نیز از طریق ریاست‌های عدلیه ولایات تحت پوشش این برنامه قرار گیرد.

۸صبح
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا
سال سیزدهم
شماره ۳۵۴۷
دوشنبه
۴ حوت ۱۳۹۹
۲۲ فبروری ۲۰۲۱
قیمت: ۲۰ افغانی

تاخیر در معرفی نامزدوزیران؛

ارگ به قانون پُشت کرده است؟

حسیب بهش

در حالی که نزدیک به سه ماه از رای رد مجلس به برخی از نامزدوزیران می‌گذرد، ارگ هنوز برای کرسی‌های باقی‌مانده، نامزدوزیر معرفی نکرده است. شماری اعضای مجلس نماینده‌گان معتقدند که رییس جمهور غنی زیر نام جمهوریت شبیه یک شاه عمل کرده است و از معرفی نامزدوزیران به گونه عمدی خودداری می‌کند. به گفته این نماینده‌گان، سرپرست‌وزیران کنونی در واقع افراد غیرمسوول‌اند و حضور آنان در کرسی وزارت‌خانه‌ها «کفر قانون» است. آنان کار سرپرستان در وزارت‌ها را دوام «قانون‌شکنی‌های رییس جمهور» می‌دانند و می‌گویند که احتمال دارد در این مورد با آغاز سال کاری جدید تصمیم گرفته شود. از طرف دیگر بحث معرفی نامزدوزیران باقی‌مانده یکی از دلایل رد بودجه سال جدید مالی نیز خوانده شده است، اما مجلس می‌گوید که برای به راه افتادن پروژه‌های انکشافی و رفع فشارهای کنونی از روی دوش مردم، از آن انصراف داده است. هرچند اداره امور تصریح کرده است که نامزدوزیران معرفی می‌شوند، اما ارگ خاموشی اختیار کرده است و در این مورد وضاحت نمی‌دهد.

آخرین روز رای‌دهی به کابینه حکومت کنونی به دوازدهم میزان باز می‌گردد، زمانی که چهار نامزدوزیر و نامزد ریاست بانک مرکزی از سوی مجلس نماینده‌گان رد شدند. در آن زمان نامزدوزیران احیا و انکشاف دهات، معارف، اطلاعات و فرهنگ و امور زنان نتوانستند رای تایید بگیرند. در کنار این نامزدوزیران، اجمل احمدی، سرپرست بانک مرکزی، نیز نتوانست اعتماد اعضای مجلس نماینده‌گان را فراهم کند. با این همه، سرپرست‌وزیران به کارشان در وزارت‌خانه‌ها ادامه دادند و بی‌بی‌گل رولا غنی، بانوی اول، نیز در موردی از کار شماری از آنان در برابر مجلس دفاع کرد. در ادامه محمداشرف غنی، رییس جمهور کشور، با صدور دو حکم، احمدجواد عثمانی، وزیر صحت عامه را در یازدهم جدی و عبدالهادی ارغندیوال، وزیر مالیه را در چهارم دلو عزل کرد.

اکنون که هفته‌ها از عزل دو وزیر و ماه‌ها از رد چهار نامزدوزیر و نامزد ریاست بانک مرکزی می‌گذرد، ارگ برای شش کرسی کابینه و پُست ریاست بانک مرکزی به مجلس نامزدی معرفی نکرده است. فضل‌محمود فضلی، رییس اداره امور ریاست جمهوری، روز یک‌شنبه، سوم حوت، در یک نشست خبری گفت که نامزدوزیران معرفی می‌شوند. با این حال زمان دقیق این کار هم‌چنان ناروشن است و حکومت مشخص نکرده است که کار معرفی نامزدوزیران چقدر پیش رفته است. مسوولان در ارگ ریاست جمهوری نیز حاضر به پاسخ‌گویی نیستند و در برابر اعتراض ادامه‌دار مجلس سکوت اختیار کرده‌اند.

رییس جمهور به نقض قانون اساسی عادت دارد

اعضای مجلس اما می‌گویند که ادامه کار سرپرست‌وزیران در واقع ادامه «قانون‌شکنی‌های رییس جمهور» است. محمدنسیم مدبر، عضو مجلس نماینده‌گان، روز یک‌شنبه، سوم حوت، به روزنامه ۸صبح گفت که سرپرستان کنونی در برخی از وزارت‌خانه‌ها در واقع «افراد غیرمسوول»اند. به گفته او، حضور نامزدوزیران در وزارت‌خانه‌ها حتا برای یک ثانیه پس از رد شدن، «کفر قانون» است و این افراد در صورت ادامه کار با «دزدان سر گردنه» تفاوتی ندارند. به گفته آقای مدبر، هر امضای سرپرست خلاف قانون است، اما «ارگ همه نهادها را زیر تاثیر قرار داده» و هر آن‌چه بخواهد، انجام می‌دهد.

این عضو مجلس تصریح کرد که جمهوریت در شکلیات وجود دارد، اما در واقع «دیکتاتوری» است و قانون اساسی به حدی دست رییس جمهور را باز گذاشته است که می‌تواند شبیه شاه عمل کند. محمدنسیم مدبر یکی از دلایل عدم تصویب بودجه را معرفی نشدن نامزدوزیران خواند، اما افزود که مجلس برای جلوگیری از به تعویق افتادن پروژه‌های توسعه‌ای و دور کردن فشارها از دوش مردم، از این خواست کوتاه آمده است. با این حال وی گفت که احتمال دارد یکی از «بحث‌های داغ» تالار مجلس نماینده‌گان پس از آغاز سال جدید، مواردی باشد که حکومت در قانون اساسی نقض کرده است. او این را یک «موج جدی» خواند تا رییس جمهور به «قانون‌شکنی‌هایش» پایان دهد.

برخی دیگر از اعضای مجلس نیز از ادامه کار سرپرست‌وزیران ابراز نگرانی می‌کنند. حجت‌الله خردمند، نایب منشی مجلس نماینده‌گان، به روزنامه ۸صبح گفت که مجلس پیش‌تر خواستار معرفی نامزدوزیران شده است، اما حکومت هم‌چنان در این کار تعلل می‌کند. او احتمال داد که حکومت در حال حاضر روی سرپرستان حساب می‌کند و طوری عمل می‌کند که گویا وزارت‌خانه از شخص سرپرست‌وزیران باشد. به گفته آقای خردمند، برخی از سرپرست‌وزیران به برخی از اقدامات ادامه داده‌اند، اما مجلس با توجه به رای رد، نمی‌تواند آنان را سلب اعتماد کند.

او گفت که حکومت همانند گذشته تلاش کرده است تا صلاحیت پارلمان را محدود کرده و قوه مقننه را همانند قوه قضائیه مطیع بسازد، اما به گفته حجت‌الله خردمند، با وجود این دیدگاه و برنامه، پارلمان به اعمال صلاحیت‌هایش ادامه داده است. آقای خردمند می‌گوید که راهکار کنونی به نفع حکومت نیست؛ زیرا «پارلمان قوی، افغانستان قوی و قوه اجراییه قوی، افغانستان قوی» است. او از حکومت خواست که سایر نامزدوزیران را معرفی کرده و ثابت بسازد که برنامه‌هایش مطابق قانون است و به پارلمان احترام دارد.

پیش از این، آگاهان حقوقی گفته بودند که کار سرپرستان کنونی «غیرقانونی» است و ادامه کار این افراد هیچ‌گونه توجیه قانونی و فرهنگی ندارد. گفتنی است که مجلس از رخصتی زمستانی‌اش برای تصویب سند بودجه سال مالی ۱۴۰۰ انصراف داده است. بدین ترتیب قرار است نشست‌های سال آینده پارلمان در شانزدهم حوت آغاز شود.

بازگشایی مکاتب و دانشگاه‌ها؛

پوشیدن «ماسک» هم‌چنان اجباری است

عبدالاحمد حسینی

با گرم شدن هوا و نزدیک شدن سال جدید تعلیمی و تحصیلی، نهادهای آموزشی تصمیم گرفته‌اند که مکاتب و دانشگاه‌ها را زیر شرایط ویژه صحی بازگشایی کنند. مسوولان نهادهای آموزشی می‌گویند با توجه به این‌که در حال حاضر موج دوم ویروس کرونا سیر نزولی خود را می‌پیماید و خطر مبتلا شدن به این ویروس کاهش یافته، مکاتب و دانشگاه‌ها باید بازگشایی شود. این مسوولان اما تأکید دارند که دانشجویان و دانش‌آموزان نباید فراموش کنند که خطر مبتلا شدن به ویروس کرونا هم‌چنان وجود دارد. آنان تصریح می‌کنند که دانشجویان و دانش‌آموزان باید توصیه‌های صحی از جمله پوشیدن ماسک و رعایت کردن فاصله اجتماعی را در نظر بگیرند. در همین حال وزارت صحت عامه نیز می‌گوید که موج دوم ویروس کرونا سیر نزولی پیدا کرده و اکنون مکاتب و دانشگاه‌ها می‌توانند فعالیت‌شان را آغاز کنند. مسوولان صحی اما تأکید دارند که تمامی دانشجویان و دانش‌آموزان باید توصیه‌های صحی وزارت صحت عامه را رعایت کنند. علاوه بر این وزارت صحت عامه می‌افزاید که قرار است آموزگاران و استادان دانشگاه‌ها و مکاتب همانند کارمندان صحی، نیروهای امنیتی و کارمندان رسانه‌ها در مرحله اول واکسین شوند.

نهادهای آموزشی در اوایل ماه قوس سال جاری به دلیل شیوع موج دوم ویروس کرونا، مکاتب و دانشگاه‌ها را تعطیل کردند. وزارت معارف گفته بود که مکاتب علاوه بر موج دوم ویروس کرونا، به دلیل سردی بیش از حد هوا تعطیل می‌شوند. این وزارت اما به تازه‌گی اعلان کرده است که مکاتب در مناطق سردسیر و نهایت سردسیر بازگشایی می‌شوند. طبق اعلام وزارت معارف، قرار است روند اخذ امتحانات سالانه در مناطق سردسیر از صنف اول تا صنف دوازدهم از دهم حوت سال جاری آغاز و تا بیست‌وپنجم همین ماه تکمیل شود. به همین ترتیب زمان شروع امتحان سالانه در مناطق نهایت سردسیر از دهم ماه حمل سال ۱۴۰۰ شروع و در بیست‌وپنجم همین ماه خاتمه پیدا می‌کند. این وزارت اما زمان شروع سال جدید تعلیمی ۱۴۰۰ را در مناطق سردسیر سه حمل و در مناطق نهایت سردسیر را یک ثور اعلام کرده است. براساس معلومات، تمامی مکاتب دولتی و خصوصی مکلف‌اند که طبق این دستور عمل و روند تدریس را آغاز کنند.

با این حال مکاتب در مناطق سردسیر و نهایت سردسیر در حالی بازگشایی می‌شوند که هنوز خطر ابتلا به ویروس کرونا وجود دارد. براساس معلومات وزارت صحت عامه، در حال حاضر روزانه ده‌ها تن به این ویروس مبتلا می‌شوند. وزارت معارف اما می‌گوید که این مکاتب زیر شرایط ویژه صحی بازگشایی می‌شوند. نجیبه آرین، سخنگوی این وزارت، روز یک‌شنبه، سوم حوت، به روزنامه ۸صبح گفت، از آن‌جایی که روند گردش ویروس کرونا در نزد اطفال به حدی نیست که نگران‌کننده باشد، این مکاتب بازگشایی می‌شوند. در عین حال وی بیان کرد که در حال حاضر سیر ابتلا به ویروس کرونا نزولی است و خطر آن در حدی نیست که برای وزارت معارف تشویش خلق کند. با آن هم بانو آرین افزود که بازگشایی مکاتب زیر شرایط ویژه صحی صورت می‌گیرد. طبق گفته‌ها او، دانش‌آموزان مکلف‌اند توصیه‌های صحی از جمله پوشیدن ماسک و رعایت فاصله اجتماعی را در نظر بگیرند. هم‌چنان وی خاطرنشان کرد، در صورتی که میزان شیوع ویروس کرونا بیش‌تر شود و این ویروس سیر صعودی پیدا کند، وزارت معارف نظریاتش را با وزارت صحت عامه در میان می‌گذارد و براساس توصیه‌های وزارت صحت عامه تصمیم خواهد گرفت.

از سوی دیگر سخنگوی وزارت معارف تصریح کرد که این وزارت مکاتب را در مناطق سردسیر و نهایت سردسیر به دلیل شیوع ویروس کرونا تعطیل نکرده، بلکه از آن‌جایی که امکانات برای تسخین صنف‌ها وجود نداشته، این مکاتب را به دلیل سردی هوا تعطیل کرده است. او افزود که هم اکنون مکاتب در مناطق گرم‌سیر فعال‌اند. او اما بیان کرد که دانش‌آموزان در این مکاتب براساس توصیه‌های صحی وزارت صحت عامه عمل کرده‌اند.

در کنار این، بانو آرین اظهار داشت که قرار است آموزگاران از سوی وزارت صحت عامه واکسین شوند. به گفته او وزارت صحت عامه آموزگاران را نیز در گتکوری اول جا داده است و از آن‌جایی که آن‌ها بیش‌تر در

معرض خطرند، واکسین می‌شوند. گفتنی است که حدود ۲۰۰ هزار آموزگار در سراسر کشور مصروف تدریس‌اند.

دانشگاه‌ها در ۱۵ حوت بازگشایی می‌شوند

در عین حال وزارت تحصیلات عالی نیز می‌گوید که قرار است درس‌های دانشگاه‌های دولتی و خصوصی به تاریخ پانزدهم حوت از سر گرفته شود. محمدحنیف فرزان، معاون سخنگوی این وزارت، روز یک‌شنبه، سوم حوت، به روزنامه ۸صبح گفت که دانشگاه‌ها در سراسر کشور زیر تدابیر صحی که پیش از این اعلام شده است، باز می‌شوند. به گفته فرزان، قرار است نخست درس‌های حضوری به شکل فشرده آغاز شود و سپس امتحان گرفته شود. آقای فرزان افزود که درس‌های حضوری سر از تاریخ پانزده حوت آغاز و تا چهاردهم حمل تکمیل می‌شود. طبق گفته‌های او، به تاریخ پانزدهم حمل امتحان سمستر خزانی سال ۱۳۹۹ اخذ خواهد شد. به همین ترتیب پس از گرفتن امتحان چانس دوم، به تاریخ بیست ثور درس‌های سمستر بهاری آغاز می‌شود.

فرزان اما تأکید کرد که رعایت کردن توصیه‌های صحی حتمی است و دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها مکلف‌اند براساس مکانیزم تعیین شده برای سمستر قبلی، عمل کنند. او گفت که هنوز هم موج دوم ویروس کرونا در گردش است و برای این‌که دانشجویان و استادان به این ویروس مبتلا نشوند، ماسک بپوشند و فاصله اجتماعی را در نظر بگیرند. طبق معلومات وی، لوازم بهداشتی از جمله ماسک و مواد شوینده در دانشگاه‌های دولتی از سوی وزارت تحصیلات عالی فراهم می‌شود و در دانشگاه‌های خصوصی، مسوولان این نهادها مکلف‌اند این لوازم را فراهم کنند.

در همین حال وزارت صحت عامه می‌گوید که اکنون موج دوم ویروس کرونا سیر نزولی به خود گرفته است و برای باز شدن مکاتب و دانشگاه‌ها کدام مانعی وجود ندارد. عثمان طاهری، مشاور روابط عامه وزارت صحت عامه، به روزنامه ۸صبح گفت که در حال حاضر موج دوم ویروس کرونا سیر نزولی دارد و از آن‌جایی که فصل سرما به پایان می‌رسد، درصدی خطر نیز کاهش پیدا می‌کند. به این ترتیب وی تأکید کرد که برای بازگشایی مکاتب و دانشگاه‌ها کدام مشکل جدی وجود ندارد و این نهادها می‌توانند با در نظر گرفتن نکات صحی به فعالیت‌شان ادامه دهند. از سوی دیگر آقای طاهری بیان کرد که قرار است استادان و آموزگاران همانند کارمندان صحی، نیروهای امنیتی و کارمندان رسانه‌ها در کتگوری اول واکسین شوند. هرچند هنوز زمان تطبیق واکسین کرونا مشخص نشده، اما مشاور روابط عامه وزارت صحت خاطرنشان کرد که کار روی تطبیق واکسین آغاز شده و احتمال دارد در آینده نزدیک این روند رسماً شروع شود. گفتنی است که به تازه‌گی کشور هند ۵۰۰ هزار دوز واکسین کرونا به افغانستان کمک کرده است. این واکسین تایید سازمان جهانی صحت را نیز کسب کرده است.

قابل یادآوری است که نخستین مورد مثبت ویروس کرونا در پنجم حوت سال گذشته در ولایت هرات به ثبت رسید. با گسترش این ویروس، حکومت طرح قرنطین را تطبیق کرد. به این ترتیب مکاتب و دانشگاه‌ها تا ماه اسد و میزان سال جاری رخصت شدند. پس از فروکش کردن ویروس کرونا و آغاز سیر نزولی آن، مکاتب در ماه اسد و دانشگاه‌ها در ماه میزان تحت تدابیر صحی به فعالیت آغاز کردند.

روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا

سال سیزدهم
شماره ۳۵۴۷
دوشنبه
۴ حوت ۱۳۹۹
۲۲ فبروری ۲۰۲۱
قیمت: ۲۰ افغانی

راه حلی بر تمامیت‌خواهی بی‌اقتدار و اشراف با اقتدار

علی سمیع، نامزد دکترای اقتصاد جهانی در دانشگاه کوروینوس بوداپست

در دوره‌های شاهی مطلقه، مردم، مخصوصاً بلندپایه‌های حکومتی و حاضران دربار شاه، در اصل شرکای قدرت نه، بلکه بخشی از رعیت و فرمان‌برداران شاه بودند. وطن و قدرت از شاه بود. شاه خوش‌خدمتی‌های فرمان‌برداران را درنظر گرفته، از وطن و قدرت خود موقفی، مقامی یا مسوولیت اجرایی به آن‌ها لطف می‌کرد. یعنی، راه و ابزار رسیدن به موقف و قدرت، خوش‌خدمتی به شاه و نزدیکان شاه بود؛ چون شاه یگانه منبع قدرت و صاحب وطن بود و تمام صلاحیت‌ها در وجود و اداره او تمرکز داشت. این مسأله تا امروز در فرهنگ سیاسی دولتی و حکومتی بعضی از کشورها، از جمله افغانستان احساس می‌شود. افغانستان با وجود آن‌که نظام شاه ندارد، باز هم فرهنگ اقتدارگرایی بی‌حدوحصر در وجود زمام‌داران امورش تا حالا پابرجا است. زیرا هنوز هم، فرد شماره یک دولت، صاحب قدرت و دارای صلاحیت عام و تام است و دیگران تقریباً فرمان‌بردار. مقوله‌های همچون قدرت و صلاحیت‌های حکومتی و اداری هنوز به طوری شاید و باید تعریف واضح ندارد. در چنین کشورها، اگر فرد شماره یک دولت شاه نیست، پس در حاکمیت مطلق کم‌تر از شاه هم نیست. این نوع ساختاری به نضج نرسیده، بستر همواری برای گردهم آمدن افراد و حلقات تمامیت‌خواه در نزدیکی فرد شماره یک دولت است. این شیوه کار و فرهنگ سیاسی، ضامن سلامت امنیت و پایداری ثبات نظام است و یا عامل تخریب و بربادی؟ اینجا از دید رئالیسم سیاسی به این پرسش می‌پردازیم و راه حلی پیشنهاد می‌کنیم.

از همه اول‌تر، باید یادآور شویم که در جریان‌های سیاسی تمامیت‌خواه و اقتدارگرا، ارزش نیروی کار، توانایی و استعداد افراد درنظر گرفته نمی‌شود و نهادها شانس مکیدن استعدادهای فوق‌العاده را جهت رسیدن به اوج شکوفایی به دست نمی‌آورند. اداره امور کشور در دست یک فرد و حلقه داخلی او قرار دارد و دیگران گوش به فرمان و انتظار هدایت‌اند. موقف‌های مهم دولتی و حکومتی عاری از صلاحیت‌های اجرایی و قانونی می‌گردند، قانون تنها موقف‌های رسمی را ساخته است و مسوولیت‌ها و صلاحیت‌ها را فرد شماره یک قدرت یا معین می‌کند، یا هم نمی‌کند. مثلاً، صلاحیت‌های سکتور امنیتی خلاف عرف دولت‌داری معاصر از وزرا به ارگان مشاوریت امنیت ملی سپرده می‌شود و یک فرد کاملاً غیرنظامی و فاقد علم و دانش امنیتی در رأس مسایل نظامی، امنیتی و استخباراتی کشور قرار می‌گیرد. هم‌چنان ده‌ها کمیسیون موازی ایجاد و صلاحیت‌های وزارت‌های سکتور ملکی و اقتصادی به آن‌ها راجع می‌گردد و وزارت‌خانه‌ها تحت مدیریت افراد بیرونی نزدیک به حلقه داخلی فرد شماره یک دولت قرار می‌گیرند. حالا در چنین شرایط و ساختار، برای این‌که اندکی مسوولیت اجرایی، آن هم تحت نظر گروه یا فرد حاکم به دست بیاید، وزرا، معین‌ها و والی‌ها برخلاف تطبیق مستقلانه قوانین، لوایح، مقررات و فیصله‌ها باید در فرمان‌برداری از هفت‌خوان رستم بگذرند. این شیوه برخورد را در زبان عامیانه «جیره‌خوری یا جیره‌دهی» گویند. نظام جیره‌ده یا جیره‌خورپرور، حس مالکیت بر وطن، نظام و حکومت را حتا از کسانی می‌گیرد که از دید تشریفات دولتی در جایگاه دوم و سوم دولت و نظام قرار دارند. دوام چنین وضعیتی، خوش‌خدمتی و جیره‌خورپروری را به ارزش فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تبدیل می‌کند و روزنه‌های پیش‌رفت مثبت را می‌بندد.

بسیاری‌ها این شیوه کاری نزدیک به شاهی مطلقه و تمرکز مطلق قدرت، صلاحیت و امکانات دولتی و حکومتی در یک فرد یا حلقه خاص را یگانه راه ثبات، امنیت و پیش‌رفت می‌پندارند. متفکران نزدیک به هیتلر هم با عین مفکوره، ساختار متمرکز و بالاتر از قانون را تحت عنوان «فورر پرینزیپ» (Führerprinzip) ایجاد کردند و قدرت سیاسی، نظامی و صلاحیت‌های حکومتی و اداری را به طور مطلق و افراطی تحت مدیریت یگانه فورر (رهبر) و افراد وفادار به او درآوردند. اما از دید علم سیاست، فرهنگ سیاسی تمامیت‌خواه، عامل اساسی تزلزل و ناپایداری ثبات سیاسی و امنیت ملی کشورها تلقی می‌شود، مخصوصاً در کشورهایی که جغرافیای اجتماعی و سیاسی چندقومی با فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف و دارای گروه‌های جنگ‌دیده و بیرون برآمده از کوره جنگ علیه کمونیسم و تروریسم اند. این مسأله چندان نو هم نیست، ماکیاولی قرن‌ها پیش از نقطه نظر رئالیسم سیاسی با تشریح دو نوع ساختار، طور ذیل بیان کرده است:

«حکومت تمام ممالکی که از تاریخ آن‌ها مطلع هستیم، از دو حال خارج نیست، یا فقط یک پادشاه مطلق بر آن حکم‌رانی می‌کند و سایرین نوکرهای خصوصی او هستند و عده مخصوص که شامل مراحم و الطاف او می‌باشند، در اداره کردن امور آن مملکت کمک می‌کنند و این اشخاص وزرای او به شمار می‌روند، یا این‌که یک پادشاه در آنجا سلطنت می‌کند، با عده اعیان و اشراف که هر یک لقب و مقام و قلمرو مخصوص دارند، این لقب و مقام را پادشاهٍ به آن‌ها اعطا نکرده است، بلکه از زمان‌های قدیم ارثاً به آن‌ها رسیده و جزء دارایی آن‌ها است و هر یک از آن‌ها ایالت یا ولایت و اتباع مخصوص خود را شخصاً اداره می‌کند. اتباع آن‌ها این نجبا را حکم‌رانان حقیقی خود می‌پندارند و نسبت به آن‌ها محبت و علاقه مخصوص نشان می‌دهند.» (ماکیاولی، شهریار، ۳۸)

از دید ماکیاولی، مملکتی که دارای نظام شاهی مطلقه باشد، دارای مردم متحد و سرسپرده نیز است. از این‌رو، قدرت‌های بیگانه یا متخاصم تنها با اتکا به توان نظامی خویش می‌توانند قشون پادشاه را متلاشی و اداره مملکت او را به دست گیرند. در چنین کشورها، امید و امکانات لازم برای شورش‌ها و سازش‌های داخلی به نفع قدرت‌های بیگانه و متخاصم چندان وجود ندارد. اگر قشون و حاکمیت پادشاه مطلق فرو بپاشد، اداره آن مملکت خیلی آسان است. مردمی که در گذشته سرنهاده یگانه پادشاه بودند، در آینده هم سرسپرده به پادشاه جدید زنده‌گی می‌کنند. از دید روانی، کشور در گذشته هم از آن‌ها نبوده است، در آینده هم از آن‌ها نیست. اغلباً در چنین مملکت‌ها، حس وراثت بر مملکت رواناً ناچیز و تضعیف می‌شود. چنان‌که گفتیم، مردم حس مالکیت و وراثت بر مملکت را ندارند. از این‌رو، فرق نمی‌کند پادشاه که و از کدام تبار است، آن‌ها نه قبل از گذشته نیروی قابل استفاده بر خلاف پادشاه بوده‌اند و نه پس از حاکمیت پادشاه جدید، عامل تهدید شده می‌توانند. اما در زمینه مملکتی که دارای پادشاه و هم‌چنان اعیان و اشرف بی‌شمار است، قدرت‌های متخاصم با تامین روابط با یک تعداد اشراف ناراضی، به ساده‌گی می‌توانند، مملکت را تسخیر کنند و زمام امور را به دست گیرند. در این زمینه ماکیاولی قرار ذیل مثال می‌آورد:

«ما در عصر خود نمونه و مثال از هر دوی این حکومت‌ها را داریم، یکی سلطان عثمانی و دیگری پادشاه فرانسه. سرتاسر مملکت عثمانی را یک سلطان مطلق اداره می‌کند و سایرین نوکرهای او هستند و تمام مملکت به ولایات تقسیم شده است و به هر ولایتی یک حاکم می‌فرستند و به میل خود هر آن بخواهند و اراده کنند، آن‌ها را عزل و نصب می‌نمایند؛ اما سلطنت فرانسه این طور نیست، زیرا اطراف شاه را عده زیادی از نجبای قدیمی فرانسه احاطه نموده‌اند که هر یک از طرف رعایای خود محترم شمرده شده و رعایا کاملاً مطیعِ آن‌ها می‌باشند. مقام و لقب ارثیِ هر یک از این‌ها کاملاً تثبیت شده است و پادشاه شخصاً نمی‌تواند، این مقام و لقب و قلمرو را از یکی از آن‌ها منتزع کند، مگر در مقابل خطر جانی برای شخص پادشاه.

ولی برعکس ممالکی که مانند مملکت فرانسه است، ورود بدانجاها با کمک اشخاص ناراضی که همیشه در میان آن‌ها بوده‌اند و حاضر برای تغییرات اوضاع فعلی آن ممالک هستند، به سهولت میسر خواهد بود؛ یعنی همین قدر که موافقت یک یا چند نفر از نجبا و اعیان آن ممالک به عمل آمد، وارد شدن بدان‌ها چندان اشکال نخواهد داشت.» (ماکیاولی، شهریار، ۳۹)

بنابراین، استفاده از شیوه‌های شاهی مطلقه در کشوری مانند افغانستان، تقریباً معنای برگشت به گذشته‌های قبل از کودتای ۷ ثور را می‌دهد. در حالی که افغانستان امروز در واقع دارای چهره و جغرافیای سیاسی متفاوت از ۴۰ سال پیش است. افغانستانِ قبل از کودتا دارای نظام شاهی مطلقه، پادشاه با اقتدار، رعیت مطیع و کارمندان گوش به فرمان بود. اما افغانستان دوران جنگ‌های مجاهدین با جمهوری دموکراتیک افغانستان و مداخلات آشکار و پنهان شرق و غرب و پس از آن جنگ‌های داخلی میان گروه‌های مجاهدین، در حقیقت اشراف و اعیانی را تولید کرد که افتخارات و داشته‌های سیاسی آن‌ها مربوط به کارنامه خوب و بد خودشان می‌شود و از حاکم یا رییس قدرت امروزی، آن را به دست نیاورده‌اند. افغانستان امروز در حقیقت مخلوطی به نضج نرسیده‌ای از هر دو نوع ساختاری است که توسط ماکیاولی تشریح شده است. افغانستان جریان‌هایی را دارد که بر احیای حاکمیت و تصاحب مطلق فرد یا گروه مخصوص بر کُل امور باورمند هستند. یعنی در چوکات جمهوریت و دموکراسی، در اصل تمامیت‌خواه‌اند. هم‌چنان افراد و گروه‌های در جامعه وجود دارند که داشتن وظیفه‌ای بدون صلاحیت و خوش‌خدمتی در درگاه قدرت را به خود افتخار می‌دانند. در عین حال در افغانستان امروز، چهره‌هایی که در سطح اشراف و اعیان رسیده‌اند، نیز وجود دارند. از دید قومی یا گروهی دارای مناطق و حامیان به خصوص خود هستند و اگر سهم در دستگاه قدرت به دست می‌آورند، آن را حق خود و سهم قوم خویش می‌پندارند، نه لطف و مرحمت فرد شماره یک دولت.

> «حکومت تمام ممالکی که از تاریخ آن‌ها مطلع هستیم، از دو حال خارج نیست، یا فقط یک پادشاه مطلق بر آن حکم‌رانی می‌کند و سایرین نوکرهای خصوصی او هستند و عده مخصوص که شامل مراحم و الطاف او می‌باشند، در اداره کردن امور آن مملکت کمک می‌کنند و این اشخاص وزرای او به شمار می‌روند، یا این‌که یک پادشاه در آنجا سلطنت می‌کند، با عده اعیان و اشراف که هر یک لقب و مقام و قلمرو مخصوص دارند، این لقب و مقام را پادشاه به آن‌ها اعطا نکرده است، بلکه از زمان‌های قدیم ارثاً به آن‌ها رسیده و جزء دارایی آن‌ها است و هر یک از آن‌ها ایالت یا ولایت و اتباع مخصوص خود را شخصاً اداره می‌کند. اتباع آن‌ها این نجبا را حکم‌رانان حقیقی خود می‌پندارند و نسبت به آن‌ها محبت و علاقه مخصوص نشان می‌دهند.» (ماکیاولی، شهریار، ۳۸)

حال اگر درست متوجه شویم، پس یک طرف با پیشکش نمودن تمامیت‌خواهی سیاسی، بر احیای رژیم نزدیک به شاهی مطلقه و پرورش گروه‌ها و افراد سرسپرده به درگاه قدرت پا می‌فشارد و طرف یا طرف‌های دیگر بر حفظ اشرافیت و نجابت سیاسی خود و وارثان خویش بر ساحه، منطقه و قوم خویش تأکید دارند و همواره فرد شماره یک قدرت را به چالش می‌کشند و مجبور به باج‌دهی می‌کنند.

هر دو جریان برای امنیت و ثبات پایدار و آزادی گروه‌ها و چهره‌های مترقی، وطن‌دوست و زحمت‌کش، تهدید تلقی می‌شود. خوش‌خدمتان یا به گفته ماکیاولی «نوکران»، از دید روانی هرگز خود را صاحب و وارث وطن نمی‌پندارند. در صورت سقوط حاکمیت، در کم‌ترین وقت در خدمت حاکم بعدی قرار می‌گیرند، تا موقفی به دست آورند. از همین خاطر، تامین روابط غیررسمی و نامشروع و دریافت حمایت و کمک‌های تعریف‌ناشده از کشورهای همسایه و مداخله‌گر در امور داخلی افغانستان، در فرهنگ سیاسی ما ننگ پنداشته نشده، بلکه افتخار بوده است. در ۲۰ سال گذشته دیدیم که فرد شماره یک دولت، تغییر کرده است؛ اما بسیاری از چهره‌ها با شرایط ساخته و مطابق میل گروه حاکم فعلی در خدمت حاضر اند. در نتیجه، نظم فکری و ارزشی برای خدمت به وطن و نظام ایجاد نشده است. مبارزه و رقابت، در چوکات خوش‌خدمتی در درگاه صاحبان قدرت میان یک تعداد جریان داشته است.

اشراف و نجبای که سرنوشت اقوام و گروه‌های اجتماعی را در دست دارند هم در دو صورت تهدیدآمیز می‌باشند. اول این‌که بر خلاف گروه حاکم، متحد می‌شوند، پایه‌های قدرت را لرزان می‌کنند و نظام را ناتوان می‌سازند. دوم این‌که یک تعداد آن‌ها در پی مخالفت‌های داخلی با رهبری دولت، به هدف حفظ قدرت قسمی یا منطقه‌ای خویش با قدرت‌های متخاصم بیرونی یک‌جا و یا همکار می‌گردند و باعث رشد استخباراتی بیرونی‌ها و شکست قسمی دولت می‌شوند.

بخش دیگر لنگش کار، در احیای جریان تمامیت‌خواهی نزدیک به شاهی مطلقه و فرهنگ خوش‌خدمت پروری سیاسی نهفته است. در نتیجه، این دو شاخصه و مخصوصاً باج‌گیری و باج‌دهی میان این دو جریان، تکامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی کشور را بطی و حتا متوقف کرده است. بقای این فرهنگ که مرکز قدرت به هدف بقای خود به اشراف باج می‌دهد، اما در عمل به سوی تمامیت‌خواهی و مطلقه‌گرایی می‌کوشد، باعث آن می‌شود که در افغانستان وضع فعلی بدون تغییر چشم‌گیر ادامه یابد و شاید خراب‌تر از امروز گردد. به معنای نوین، نه جمهوری تک ساخت اقتدارگرا به اوج شکوفایی می‌رسد و نه هم خواب چند ساختی یا فدرالی شدن ساختار دولت به حقیقت می‌پیوندد.

خلاصه باید تذکر داد که نه در عصر و دوران ماکیاولی باقی مانده‌ایم و نه هم به عصر نوین دولت‌داری رسیده‌ایم. وضعیت فعلی افغانستان که دارای هر دو حالت یاد شده توسط ماکیاولی است، تغییر ساختاری و کیفی را نشان می‌دهد. جهان از دوران ماکیاولی تا امروز، انقلاب صنعتی، انقلاب روشن‌گری، انقلاب فرانسه، انقلاب ۱۸۴۸ اروپا و انقلاب بلشویک را پشت سر گذاشته و در امر تغییر و تبدیل قشر و گروه حاکم به قشر جدید و نظم سیاسی قدیم به نظم سیاسی نوین، نمونه‌های بی‌شماری را تجربه کرده است. انقلاب‌ها همیشه به هدف فروپاشی قشر و نظم حاکم و ایجاد قشر و وضعیت بهتر و خوب‌تری رخ داده است. مثلاً، لنین، رهبر انقلاب بلشویک و بنیان‌گذار اتحاد جماهیر شوروی با شعار «زمین و آزادی» قشر دهقان و زحمت‌کش را به تصاحب و تسخیر زمین از فیودال‌ها ترغیب کرد و منسجم ساخت و از برده‌گی آزاد نمود. این انسجام‌دهی او، از یک‌سو باعث نابودی فیودال‌ها در سراسر روسیه شد و از سوی دیگر حس صاحب کشور بودن را در برابر شاهی مطلقه و فیودال‌های اشراف در وجود دهقانان و زحمت‌کشان زنده ساخت. با این کار، تغییر کیفی و بنیادی را ایجاد نمود. این مسأله مستقیماً تأثیر روانی سیاسی و روانی فرهنگی دارد. حالا اگر مردم افغانستان را به فرهنگ خوش‌خدمتی به درگاه قدرت در حالی وامی‌داریم که مرکز قدرت ناتوان و از حاکمیت مطلق بر تمام کشور عاجز است، پس واضح است که حس مالکیت‌شان بر وطن نابود و از پی بهترین کارفرما یا حاکم (داخلی و یا هم خارجی) خواهند رفت و در راستای ختم حاکمیت اشراف و اعیان منطقه‌ای به مبارزه آزادی‌خواهی و مترقی رو نخواهند آورد.

ادامه در صفحه ۷

سال سیزدهم
قیمت: ۲۰ افغانی

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید: +(93) 788 788 799 / +(93) 700 175 510

روزنامه ۸صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

بهزاد فرنیچر

Email: behzad.dost@gmial.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان

شرکت خدمات IT برتر تیک

BARTARTECH
INNOVATIVE & DIGITAL SOLUTIONS

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی‌وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابس
- ساخت برنامه های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه های اجتماعی
- گرافیک دیزاین (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سئو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)

+93777690909 info@bartartech.com
+93787935900 www.bartartech.com
کوته سنگی ، گولایی دواخانه، کابل افغانستان

آشپزخانه مادر

Mother Kitchen

تهیه غذاهای باکیفیت با نازل‌ترین قیمت
برای محافل رسمی و شخصی

آشپزخانه مادر یکی از مدرن‌ترین و پیشرفته‌ترین آشپزخانه‌های پایتخت است که افتخار دارد برای اولین بار در افغانستان با ویژگی‌های منحصر به خودش به فعالیت آغاز نموده است.
آشپزخانه مادر افتخار دارد که بهترین و باکیفیت‌ترین غذاهای داخلی و خارجی را با مجرب‌ترین آشپزها برای محافل رسمی و شخصی، مهمانی‌ها و دعوت‌ها، ورکشاپ‌ها و سمینارها با انتقال رایگان به اسرع وقت با نازل‌ترین قیمت در خدمت مشتریان عزیز قرار دارد. ما در تلاش هستیم تا با ارایه خدمات صادقانه و متفاوت از دیگران اعتبار و رضایت مشتریان محترم‌مان را کسب کنیم و باورمندیم که گنجی با ارزش‌تر از رضایت و خدمت صادقانه برای همشهریان ما وجود ندارد.

آدرس: سرک اول کارته چهار، کوچه لیسه عالی رابعه بلخی
شماره‌های تماس: ۰۷۷۰۶۷۶۴۶۵ - ۰۷۰۷۱۳۱۳۲۶

شفاخانه آیینه صحت

تخفیف ویژه
۲۸۰۰۰ افغانی

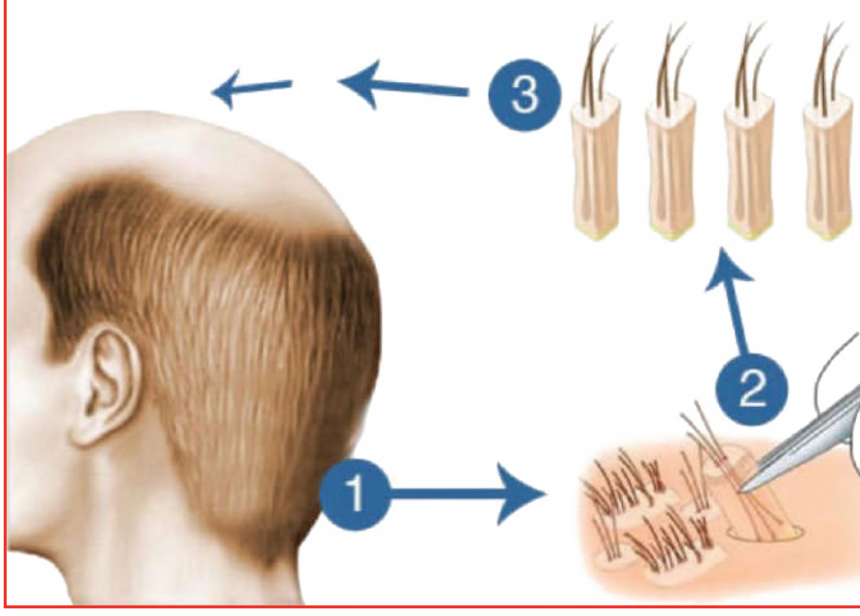

- کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلا هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلا این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آیینه صحت با سرپرستی داکتر پامیرحسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظرداشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آیینه صحت
شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰

آش دلپذیر

یک بار امتحان کنید
بار بار نوش جان

آدرس: جاده بابه مزاری، مهتاب قلعه، روبروی شفاخانه محمدعلی جناح، جوار دانشگاه رابعه بلخی
شماره تماس: ۰۷۷۵۲۰۷۳۶۸

روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا
سال سیزدهم
شماره ۳۵۴۷
دوشنبه
۴ حوت ۱۳۹۹
۲۲ فبروری ۲۰۲۱
قیمت: ۲۰ افغانی

جنگ افغانستان؛

امریکا در مسیر شوروی

عقب‌نشینی شوروی یک فاجعه بود. نسخه ایالات متحده نیز بسیار شبیه به آن به نظر می‌رسد.

منبع: فارن پالیسی
نویسنده‌گان: ساجن ام. گوهل و ویکتوریا جونز
مترجم: سیدجمال اخگر

گزارش گروه مطالعاتی افغانستان که در ۳ فبروری منتشر شد، تصویر تاریک از افغانستان را در صورتی که ایالات متحده ۲۵۰۰ سرباز باقی‌مانده خود را قبل از وقت از آن کشور بیرون کند، نشان داده است. این گزارش هشدار می‌دهد که گروه‌های تروریستی فراملی که توانایی‌های خود را پس از حمله ائتلاف جهانی به رهبری ایالات متحده از دست داده بودند، در حال بازسازی اند و در مدت دو تا سه سال دوباره برای حمله به خاک ایالات متحده عملیاتی می‌شوند.

براساس توافق ناقص ۲۰۲۰ دوحه، دولت ترمپ قول داد که در ازای تعهد طالبان برای گفت‌وگوهای معنادار صلح با دولت افغانستان، همه سربازان امریکایی را از افغانستان بیرون کند؛ اما بدون گرفتن کدام تضمین برای توقف خشونت‌ها - از قضا پاکستان نقش اساسی در معامله دوحه داشت، ولی دولت افغانستان کاملاً از بحث‌ها کنار گذاشته شد.

هم‌چنان در این معامله از طالبان خواسته شد تا اطمینان دهند که خاک افغانستان توسط القاعده و یا سایر گروه‌های تروریستی به منظور هدف قرار دادن ایالات متحده یا متحدان آن مورد استفاده قرار نخواهد گرفت. طوری که انتظار می‌رفت، طالبان آشکارا این شرایط را نادیده گرفتند. آنان به روابط خود با القاعده پایان نداده‌اند و به همکاری خود ادامه می‌دهند. یک گزارش شورای امنیت سازمان ملل نشان می‌دهد که گروه طالبان حتا در جریان مذاکرات دوحه با این شبکه رای‌زنی داشته است.

حملات خشونت‌آمیز در افغانستان، با قتل‌های هدفمند مقامات دولتی و نظامی و هم‌چنین قتل روزنامه‌نگاران و فعالان جامعه مدنی، در حال افزایش است. طالبان تقریباً دو دهه پس از حملات یازدهم سپتامبر و سرنگونی‌شان در دسامبر ۲۰۰۱، اکنون بیش‌تر از هر زمان دیگر قوی‌تر هستند.

یک مورد قابل نگرانی واقعی این است که افغانستان یک‌بار دیگر طوری که در دهه ۱۹۹۰ بود، به محل پرورش بنیادگرایی مبدل شود. بیش‌تر این مورد به اقدامات بعدی دولت بایدن طی سال جاری بسته‌گی خواهد داشت. بیرون کشیدن عجولانه نیروهای امریکایی می‌تواند باعث جنگ داخلی شود، پیروزی را به طالبان تحویل دهد و دوباره باعث ظهور گروه‌های تروریستی شود که می‌توانند غرب را تهدید کنند.

اگرچه خروج جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ از افغانستان در گزارش گروه مطالعاتی به طور گذرا ذکر شده است، اما درس‌های مهم و هشدارهای زیادی را برای ایالات متحده ارایه می‌دهد. می‌دانیم که درگیری کنونی با طالبان به اندازه اشغال‌گری شوروی تلخ نیست؛ اما طولانی‌تر از آن ادامه داشته است. اگرچه مقیاس آن متفاوت است؛ اما درک تجارب اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان و پیامدهای خروج آن کشور، درس‌های مهمی در مورد استراتژی‌های خروج برای ایالات متحده ارایه می‌دهد.

چالش‌ها و عدم قاطعیت ایالات متحده و شوروی در چندین سطح، با هم شباهت چشم‌گیری دارد: سوال اینجا است که چگونه نیروهای خارجی از افغانستان بیرون شوند تا امنیت، توانایی و ظرفیت نیروهای افغان برای محافظت از مردم و استقامت و توانایی عمل‌کرد دولت آن کشور، پس از رفتن نیروهای خارجی زیر پا نشود؟

دولت بایدن می‌بیند که آشتی دادن جناح‌های افغان کار ساده‌ای نیست. شوروی‌ها نیز این را تجربه کرده بودند. عقب‌نشینی شوروی به عنوان بخشی از توافق‌نامه جینوا در سال ۱۹۸۸ بین افغانستان و پاکستان که زیر آن ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی، امضا کرده بود، رسمیت یافت. اگرچه افغانستان و پاکستان توافق کردند که حاکمیت یک‌دیگر را احترام می‌کنند، اما مسکو در انجام این همکاری با اسلام‌آباد مشکل داشت، درست مانند پس از رخدادهای نهم و یازدهم سپتامبر که ایالات متحده شاهد آن بود. رهبران اتحاد جماهیر شوروی در مورد نقش چالش‌برانگیز پاکستان بحث کردند: براساس صورت جلسه گفته شد که «نیروهای مرزی پاکستان عملاً در عملیات نظامی در خاک افغانستان شرکت می‌کنند. پاکستان منبع سلاح است و گروه‌های مسلح نیز بدون مانع از آنجا عبور می‌کنند.»

میخائیل گورباچف، دبیرکل اتحاد جماهیر شوروی در یک جلسه کمیته اجرایی حزب کمونیست اظهار داشت: «مصالحه در مفهوم وجود دارد و ما آن را تأیید می‌کنیم؛ اما در عمل مشکل حل نشده است.» مسکو مشتاق بود، نیروهای خود را در حالی از افغانستان بیرون کند که تهدیدات داخلی و خارجی برای امنیت، مدیریت شود. برنامه شوروی متمرکز بر استقرار یک رژیم دوستانه پایدار افغان و مصالحه سیاسی بود.

رهبران شوروی درک کردند که خروج آن‌ها آینده افغانستان را تعیین و میراث مداخله آن‌ها را تعریف می‌کند. جلسات افشا شده کمیته اجرایی حزب کمونیست تأیید کرد: «همه می‌فهمند که جنگ اصلی هنوز در پیش است.» یک هشدار پیش‌بینانه نیز وجود داشت: «در صورتی که بخت با دوستان افغان ما یاری نکند، بنیادگرایان اسلامی به احتمال قوی به قدرت می‌رسند.»

بین سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱، مسکو برای بالا بردن ظرفیت دولت افغانستان، امکانات مالی و سلاح را در اختیار افغان‌ها قرار داد که از یک مقدار آن در جنگ علیه مجاهدین که متشکل از افغان‌ها و جنگ‌جویان اسلام‌گرای عرب بودند و تحت حمایت ایالات متحده، پاکستان و عربستان سعودی به هدف بیرون راندن شوروی از افغانستان می‌جنگیدند، استفاده شد. بعدها از درون این تنظیم‌ها، طالبان ظهور کردند.

هدف این بود که از یک ارتش با ثبات افغانستان اطمینان حاصل شود. در یک ارزیابی، شش ماه پس از عقب‌نشینی اتحاد جماهیر شوروی، پیش‌رفت قابل ملاحظه‌ای در ارتش در سال ۱۹۸۹ ثبت شد: «خودکفایی، اعتماد به نفس، توانایی ارزیابی صحیح اوضاع توسط افغان‌ها که در زمان حضور نظامی ما در افغانستان با کمبود آن مواجه بودند، به وضوح قابل مشاهده بود.»

مسکو در اقدام غیرمعمول برای دولت متمرکز تحت حمایت شوروی، از تحول قدرت در کابل برای ایجاد ثبات در افغانستان حمایت و دفتر کمیته اجرایی حزب کمونیست، اتحادیه‌های مستقل از جناح‌های قومی را ایجاد کرد. دقیقاً مانند افغانستانِ پس از یازدهم سپتامبر در زمان حامد کرزی، رییسِ جمهور پیشین، محمد نجیب‌الله، رییس جمهور وقت نیز لویه‌جرگه، شورای سنتی رهبران سیاسی، بزرگان قبایل و شخصیت‌های مذهبی افغانستان را فراخواند. اگرچه لویه‌جرگه در آن زمان هم مرجع رسمی تصمیم‌گیری نبود و اکنون هم نیست، اما تصمیم‌های آن براساس اجماع، نهایی و لازم‌الاجرا تلقی می‌شود.

اتحاد جماهیر شوروی در حال فروپاشی، از دولت نجیب‌الله به مدت سه سال پشتیبانی مالی و نظامی کرد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، از حمایت مسکو کاسته شد و دولت نجیب‌الله نیز سقوط کرد. در سال ۱۹۹۲، مجاهدین کابل را تصرف کردند. این امر برای ایالات متحده پیروزی تلقی می‌شد؛ زیرا نجیب‌الله تحت حمایت شوروی در سمت اشتباه جنگ سرد قرار داشت. در همین حال، تضاد منافع به‌زودی در میان گروه‌های قومی افغانستان - عمدتاً پشتون‌ها، تاجیک‌ها و اوزبیک‌ها افزایش یافت و آن‌ها در حالی که به طور هم‌زمان سعی داشتند، قدرت را از یک‌دیگر بگیرند، شروع به تقسیم خاک افغانستان در میان خود کردند. شهرهای بزرگ، به شمول کابل، به آوار تبدیل شد.

در این میان، گروهی از جنگ‌جویان آموزش دیده در مدارس پاکستان که جهاد خشن را تبلیغ می‌کرد، تحت رهبری یک روحانی پشتون به‌نام ملا محمد عمر، ظهور کرد. طالبان خود را دانشجویان مذهبی که می‌خواهند به بی‌قانونی و جنگ در افغانستان پایان دهند، معرفی کردند. تنها در عرض دو سال، قبل از پیش‌روی آن‌ها به سمت کابل در سال ۱۹۹۶، آنان شهرهای بزرگ را تصرف کردند و نجیب‌الله را در حضور مردم به شکل علنی به دار آویختند. تا سال ۲۰۰۱، آن‌ها حدود ۹۰ درصد از خاک افغانستان را تحت کنترل گرفتند. پنج سال رژیم وحشیانه آن‌ها یکی از تاریک‌ترین دوره‌های تاریخ افغانستان است که جنایات وحشتناک حقوق بشری، به‌ویژه علیه زنان را به همراه داشت. زن ستیزی آن‌ها تا به امروز ثابت مانده است. افغانستان هم‌چنین به یک میدان بازی برای گروه‌های تروریستی مانند القاعده برای طرح حملات تبدیل شده بود.

امرالله صالح، معاون رییس جمهور افغانستان هشدار داد که ایالات متحده در دوحه بیش از حد میدان را به طالبان واگذار کرده است. او از چندین سوءقصد طالبان جان سالم بدر برده است. صالح هم‌چنین مقایسه مستقیمی بین تاکتیک‌های طالبان و گروه دولت اسلامی انجام داده و خاطر نشان کرده است که هر دو گروه برای هدف مشترک که همانا وادار کردن نظامیان غربی برای خروج از افغانستان است، همکاری می‌کنند.

اگرچه مداخلات شوروی و ایالات متحده متفاوت بود، اما آن‌ها با چالش‌های مشابهی روبه‌رو شدند. هر دو با تهدیدهای شورشیان، محدودیت دست‌رسی دولت مرکزی به مناطق روستایی و نفوذ متضاد پاکستان روبه‌رو شدند؛ جایی که هم مجاهدین و هم طالبان از پناهگاه‌های امن برخوردار بودند/هستند.

علی‌رغم این‌که اتحاد جماهیر شوروی در ابتدا اهداف بلند پروازانه‌ای را دنبال می‌کرد، اما مجبور بود، اهداف سیاسی خود را از تلاش نافرجام برای جلوگیری از فروپاشی و تسخیر افغانستان توسط بنیادگرایان رادیکال، کاهش دهد. امروز واشنگتن با معضل مشابهی (فقدان اراده سیاسی و نظامیِ برای حفظ مأموریت افغانستان)، روبه‌رو است. غالباً فراموش می‌شود که افغانستان پس از شکست طالبان پس از ۱۱ سپتامبر، یک دوره امنیت نسبی را تجربه کرد و تا سال ۲۰۰۵ شورشی به رهبری طالبان ظهور نکرد.

با این حال، در اواسط سال ۲۰۰۲، دولت جورج دبلیو بوش بیش‌تر توجه خود را به عراق صدام حسین معطوف کرد. با نادیده گرفتن افغانستان و توجه ایالات متحده به جنگ ناملایم عراق، طالبان با حمایت ارتش پاکستان دوباره سازمان یافتند.

اگر دولت بایدن دستور خروج کامل از افغانستان را صادر کند، این کشور می‌تواند مسیر پس از جنگ اتحاد جماهیر شوروی را دنبال کند و دوباره وارد یک جنگ داخلی تمام‌عیار گردد و به پناهگاهی تبدیل شود که تروریست‌ها در زمان برنامه‌ریزی حملات ۱۱ سپتامبر از آن استفاده کردند.

شکست طالبان دور از دست‌رس است و این گروه سوءنیت خود را بار بار نشان داده‌اند. با حضور چندین سازمان تروریستی، به شمولِ القاعده و دولت اسلامی در منطقه، این گروه‌ها احتمالاً مردم افغانستان را چنان در معرض وحشی‌گری، زن ستیزی و ستم‌گری قرار دهند که با زمان قبل از ۲۰۰۱ رقابت کند.

خروج ایالات متحده از افغانستان باید مشروط به قطع ارتباط طالبان با گروه‌های تروریستی و قطع خشونت علیه مردم افغانستان باشد. در عین حال، بسیار مهم است که واشنگتن پاکستان را به خاطر نحوه دخالت در امور داخلی افغانستان پاسخگو سازد. واشنگتن هم‌چنین نیاز به تعامل بهتر با متحدانش در ناتو، به شمول آلمان، ایتالیا و انگلستان که نقش مهمی در پیش‌رفت ارتش افغانستان داشته‌اند، دارد، به‌ویژه در شرایطی که کاهش سریع نیروهای امریکایی، بدون هماهنگی و مشورت با اعضای ناتو در دوره دولت ترمپ، اتفاق افتاد.

در یک پیش‌رفت مثبت، جو بایدن، رییس جمهور ایالات متحده در تلاش است تا اعتبار ایالات متحده را با متحدان اروپایی خود اعاده کند. به نظر می‌رسد، او قصد دارد که یک راه حل از طریق گفت‌وگو پیدا کند. دبیرکل ناتو، ینس استولتنبرگ اخیراً هنگامی که گفت این ائتلاف «قبل از زمان مناسب» از افغانستان خارج نخواهد شد، به چندجانبه‌گرایی بیش‌تر تأکید کرد. هیچ‌کس «جنگ‌های بی‌پایان را نمی‌خواهد»؛ اما خروج غیرمسوولانه نیز به همان اندازه غیر قابل توصیه است. ما باید مکث کنیم، به تاریخ نگاه کنیم و به جای خواب رفتن در یک فاجعه، با احتیاط پیش برویم.

ساجن ام. گوهل، مدیر امنیت بین‌المللی در بنیاد آسیا و اقیانوسیه است.

ویکتوریا جونز، یکی از بنیان‌گذاران و سردبیر مجله انت‌رزین است.

اتحاد جماهیر شوروی در حال فروپاشی، از دولت نجیب‌الله به مدت سه سال پشتیبانی مالی و نظامی کرد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، از حمایت مسکو کاسته شد و دولت نجیب‌الله نیز سقوط کرد. در سال ۱۹۹۲، مجاهدین کابل را تصرف کردند. این امر برای ایالات متحده پیروزی تلقی می‌شد؛ زیرا نجیب‌الله تحت حمایت شوروی در سمت اشتباه جنگ سرد قرار داشت. در همین حال، تضاد منافع به‌زودی در میان گروه‌های قومی افغانستان – عمدتاً پشتون‌ها، تاجیک‌ها و اوزبیک‌ها افزایش یافت و آن‌ها در حالی که به طور هم‌زمان سعی داشتند، قدرت را از یک‌دیگر بگیرند، شروع به تقسیم خاک افغانستان در میان خود کردند. شهرهای بزرگ، به شمول کابل، به آوار تبدیل شد.

صبح ۸
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا
سال سیزدهم
شماره ۳۵۴۷
دوشنبه
۴ حوت ۱۳۹۹
۲۲ فبروری ۲۰۲۱
قیمت: ۲۰ افغانی

خلیل اسیر

بن‌بست مذاکرات دوحه؛

آیا به یک فرمول جدید نیاز است؟

سومین پیش‌شرط طالبان برای انجام مذاکره، کنار رفتن غنی از قدرت است. طبعاً این گروه طرف‌دار حکومت موقت – ائتلافی است که زیر چتر آن باید مذاکرات صلح تا اقامه نظام سیاسی جدید دنبال شود. در بیرون از افغانستان، مقامات روسی تاکنون از این ایده حمایت کرده‌اند. در داخل افغانستان بعضی از احزاب و چهره‌های سیاسی نیز پشتیبان این ایده هستند. رییس جمهور غنی اما شدیداً با این ایده مخالف است. غنی در تازه‌ترین اظهاراتش گفته است، تا زمانی که او زنده است، طالبان روی حکومت موقت را نخواهند دید.

دور دوم مذاکرات صلح بین دولت و طالبان پیش از شروع آن دچار بن‌بست بود. پیش‌شرط‌های طالبان برای ادامه مذاکره با دولت عامل اصلی این بن‌بست بود و هنوز نیز است. دور دوم مذاکرات که در شانزدهم دلو آغاز شده بود، بدون آن‌که هیأت‌های مذاکره‌کننده دولت و طالبان وارد بحث‌های جدی شوند، به صورت اعلام‌نشده متوقف شد. تا هنوز تصامیم دو طرف برای از سرگیری این مذاکرات اعلام نشده است. این امر نشان می‌دهد که بن‌بست مذاکرات دوحه جدی است و با سردی که در مواضع دو طرف برای شروع مجدد این مذاکرات دیده می‌شود، احتمال شکست آن متصور است.

دولت و طالبان، پیش‌شرط‌هایی برای انجام مذاکره با یک‌دیگر دارند. این پیش‌شرط‌ها در جبهه طالبان پررنگ‌تر است. دو پیش‌شرط از سه پیش‌شرط این گروه در توافق‌نامه امریکا و طالبان به صورت واضح آمده است. یکی از این پیش‌شرط‌ها، رهایی هفت‌هزار زندانی این گروه از بند دولت است. پیش‌شرط دیگر طالبان، رفع کلیه تعزیرات در برابر این گروه و اعضای آن است. این دو پیش‌شرط از سوی طالبان براساس توافق‌نامه ماه حوت پارسال برای ادامه مذاکره در برابر دولت‌های افغانستان و امریکا گذاشته شده است. سومین پیش‌شرط طالبان برای انجام مذاکره، کنار رفتن غنی از قدرت است. طبعاً این گروه طرف‌دار حکومت موقت - ائتلافی است که زیر چتر آن باید مذاکرات صلح تا اقامه نظام سیاسی جدید دنبال شود. در بیرون از افغانستان، مقامات روسی تاکنون از این ایده حمایت کرده‌اند. در داخل افغانستان بعضی از احزاب و چهره‌های سیاسی نیز پشتیبان این ایده هستند. رییس جمهور غنی اما شدیداً با این ایده مخالف است. غنی در تازه‌ترین اظهاراتش گفته است، تا زمانی که او زنده است، طالبان روی حکومت موقت را نخواهند دید.

در این طرف میز، دولت خواستار توقف خشونت‌ها و آتش‌بس کامل است. هیأت دولت، آتش‌بس را در صدر فهرست موضوعات پیشنهادی خود برای بحث در میز مذاکرات قرار داده است. این هیأت قبلاً گفته بود که تلاش می‌کند تا پیش از بحث روی سایر موضوعات، گروه طالبان را برای توافق روی مسأله آتش‌بس متقاعد کند. این در حالی است که طالبان نه تنها آماده بحث روی موضوع آتش‌بس نیستند که آماده پذیرش پیشنهاد کاهش خشونت‌ها نیز نیستند. دو پیش‌شرط طالبان برای ادامه مذاکره که بنیاد آن توافق‌نامه دوحه است، نیز عملی نیست. دولت افغانستان می‌گوید به دلیل آن‌که طرف توافق طالبان نبوده است، ملزم به رعایت توافق‌نامه امریکا و طالبان نیست. به این دلیل، هفت‌هزار زندانی طالبان را پیش از انجام توافقات صلح و مقدم بر آن توافق روی آتش‌بس کامل، رها نخواهد کرد. تجربه دولت از رهایی پنج‌هزار زندانی طالبان کافی است که پای این استدلال خود محکم بایستد و از رهایی هفت‌هزار زندانی باقی‌مانده این گروه پرهیز کند. در این حالت، طالبان دو انتخاب بیش‌تر ندارند: یا از این پیش‌شرط خود دست بردارند و یا از ادامه مذاکرات خودداری کنند. این گروه در حال حاضر گزینه دوم را ترجیح داده است.

رفع کلیه تعزیرات بین‌المللی در برابر طالبان مشروط است به پیش‌شرفت مذاکرات بین‌الافغانی، کاهش خشونت‌ها و قطع روابط این گروه با گروه‌های تروریستی. در بیش از پنج ماه از شروع مذاکرات بین‌الافغانی، پیش‌رفت امیدوارکننده‌ای در اقدامات طالبان برای انجام این تعهدات دیده نمی‌شود. این گروه نه تنها وارد مذاکرات معنادار با دولت نشده که با حفظ روابط خود با گروه‌های تروریستی، سطح خشونت‌ها را نیز بلند برده است. بدیهی است که در چنین شرایطی ممکن نیست که دولت امریکا و شورای امنیت سازمان ملل متحد، ریسک رفع تعزیرات در برابر طالبان را متقبل شوند.

چنان‌که در فرازهای فوق مطالعه می‌شود، فاصله بین مواضع دولت و طالبان از یک طرف و فاصله بین انتظارات امریکا و طالبان از طرف دیگر، بسیار زیاد است. به علت آن‌که اعتماد متقابل لازم بین طرف‌ها شکل نگرفته است و هر کدام با سوءظن نسبت به یک‌دیگر نگاه می‌کنند، کم کردن این فاصله‌ها بسیار دشوار است. از این‌رو، پیش‌بینی می‌شود که مذاکرات بین‌الافغانی با فرمول دوحه با شکست روبه‌رو است.

اما تمایل دولت و طالبان برای انجام مذاکره تا هنوز فروکش نکرده است. با وجود توقف مذاکرات، دو طرف تأکید دارند که مذاکره یگانه راه حل موثر برای پایان دادن به جنگ جاری است. هم‌زمان با این، هم دولت و هم گروه طالبان تصمیم قاطع گرفته‌اند که تسلیم یک‌دیگر نشوند و به جنگ تا زمانی که از راه مذاکره به توافق نرسیده‌اند، ادامه بدهند. در شرایطی که فرمول دوحه از حل معمای جنگ افغانستان عاجز مانده است، تمایل طرف‌ها به مذاکره، تنها شانس موجود برای طرح یک فرمول جدید به هدف پایان دادن به این جنگ است.

از صفحه ۴

راه حلی بر تمامیت‌خواهی...

چنان‌که در بالا یادآور شدیم، جریان تمامیت‌خواهی خوش‌خدمت‌پرور باعث می‌شود تا نهادها شانس مکیدن استعدادهای فوق‌العاده را از دست دهند و به اوج شکوفایی نرسند. گروه حاکم به تنهایی و غیر مردمی بودن حلقه داخلی‌اش نمی‌تواند، روح زنده‌گی‌بخش را به طور شاید و باید در وجود نهادهای حکومتی از مرکز تا دهکده بدمد. این شیوه از یک‌سو باعث تضعیف و ناتوانی نهادهای حکومتی و رشد بی‌ثباتی‌های امنیتی و سیاسی می‌گردد و از سوی دیگر باعث رکود، فوت و فرار مغزها و استعدادهای واقعی در کشور می‌شود.

راه حل چیست؟

راه حل این است که در بحث قدرت باید همه طرف‌ها، جریان‌ها و مسوولان دستگاه دولت و حکومت خود را صاحب وطن احساس کنند، نه فرمان‌بردار و یا به گفته ماکیاولی «نوکران پادشاه». موقف‌های دولتی و حکومتی بیش‌تر به قانون جواب‌گو باشند، تا فرمان‌برداری از اوامر و خواست‌های فراقانونی فرد شماره یک دولت. یعنی اول‌تر از همه، جریان احیای تمامیت‌خواهی سیاسی باید متوقف گردد. سپس از برای این‌که اشراف قدرت‌طلب واقعاً تضعیف شوند، باید مردم مستقیماً در حکومت‌سازی و بازی‌های قدرت از سطح محل تا کشور سهیم گردند. قشر جدید سیاسی باید ایجاد گردد، تا تغییر کیفی و بنیادی میان حاکمیت مردم و حاکمیت اشراف به میان آید. یعنی قدرت در ساختار و محور دولت حفظ، اما مسوولان اداره‌ها جواب‌گو به مردم در روشنی قوانین و دارای صلاحیت‌ها و مسوولیت‌های قانونی خویش گردند. صلاحیت‌ها و مسوولیت‌ها از حلقه قدرت به موقف‌های رسمی از سِمَت رییس جمهور تا معاونین رییس جمهور، وزراء، معینیت‌ها، ریاست‌های عمومی و به همین ترتیب تا سطح ولسوالی و مأموران پایین‌رتبه، در روشنایی قانون و مقررات مشخص شود. هیچ‌کس به هیچ‌کسی مسوولیت، صلاحیت، سهم و حق جیره یا باج ندهد. هیچ‌کسی صلاحیت و مسوولیت‌های قانونی کسی یا موقفی را تصاحب نتواند. با این کار، از یک‌سو اشرافیت دوباره تولید نمی‌شود و از سوی دیگر، فرهنگ خوش‌خدمت‌پروری خاتمه می‌یابد و همه خود را صاحب و وارث حقیقی کشور و نظام می‌پندارند.

فرد شماره یک دولت اولین فردی است که می‌تواند، جریان تمامیت‌خواهی را متوقف و جریان تقسیم و تعیین صلاحیت‌های حکومتی را نه به شکل حاکم مطلق، بلکه از راه‌های قانونی و قانون‌سازی آغازگر باشد. تمامیت‌خواهی راهی نادرست و کج است، آن را با غیرمتمرکزسازی صلاحیت‌ها به نهادهای حکومتی و حفظ اقتدار سیاسی در مرکز کشور، می‌توان راست و درست ساخت و سطح تهدیدهای بی‌ثبات‌ساز را ناچیز نمود. اشتراک نکردن مردم در انتخابات، به میان آمدن جریان‌های انتقادی بی‌شمار، فدرال‌خواهان، تجزیه‌طلبان، جریان‌های فرعی راست‌گرای افراطی، انزواگرایان مسلح افراطی، مردم ناامید شهری و امثال آن، همه عوامل فعال اما غیرمنسجمی اند که هم علیه تمامیت‌خواهی می‌رزمند و هم علیه اشراف اقتدارگرا. در صورتی که فرد شماره یک دولت، این باریکی را متوجه نشود و به راست و درست‌سازی فرهنگ سیاسی، نظام سیاسی و ساختار حکومتی و اداری کشور نپردازد و بر تدوام وضع فعلی پافشاری کند، پس دیر یا زود ابتکار مدیریت عوامل ناراض فوق‌الذکر از دست حلقه داخلی قدرت خارج و نظام بیش‌تر از امروز متزلزل و ناتوان‌تر خواهد شد. جهت پرداختن به این پرابلماتیک و دریافت راه حل باید از تجارب ملت‌های کامیاب آموخت. در فرانسه که قدرت میان شاه و اشراف تقسیم شده بود، ایجاد ساختار دولتی تک ساخت و راه‌اندازی اداره‌های محلی خودمختار انتخابی در سطح شهرها، ولسوالی‌ها و دهکده‌ها به پرابلماتیک سیاسی تاریخی خاتمه داده شد. در جرمنی پس از هیتلر و در روسیه پس از شوروی راه حل را در راه‌اندازی ساختار دولتی چند ساخت و تضمین استقلالیت حکومتی در سطح ولایات یا ایالات پیش گرفتند. حالا این‌که افغانستان کدام یکی از راه‌های فوق‌الذکر را پیش می‌گیرد، مستقیماً مربوط به فهم و درایت الیت سیاسی و رای اکثریت مردمش می‌شود، تا با راه‌اندازی گفتمان‌ها، همه‌پرسی و جریان‌های همه‌گیر بر پرابلماتیک فعلی نقطه پایان گذاشته شود.

۸صبح
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا
سال سیزدهم
شماره ۳۵۴۷
دوشنبه
۴ حوت ۱۳۹۹
۲۲ فبروری ۲۰۲۱
قیمت: ۲۰ افغانی

آیا شفاخانه غور برای نابودی اسناد فساد آتش گرفت؟

خلیل رسولی

چند روز پیش شفاخانه کووید-۱۹ ولایت غور به گونه مرموز آتش گرفت. فعالان مدنی آتش‌سوزی شفاخانه ویژه کرونا را پرسش‌برانگیز می‌دانند. نثاراحمد کوهین، از فعالان مدنی این ولایت، در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح می‌گوید که دلیل آتش‌سوزی «پنهان کردن فساد مالی» در مصرف بودجه این مرکز درمانی است. او پافشاری دارد که نگرانی‌هایی در پیوند به مصرف بودجه کرونا در غور وجود دارد و ریاست صحت عامه معلومات چگونه‌گی مصارف بودجه را با مردم شریک نکرده است.

در پی آتش‌سوزی در شفاخانه کووید-۱۹ ولایت غور، بیش‌تر از دو میلیون افغانی وسایل اداری این مرکز درمانی در آتش سوخت. کنش‌گران مدنی این رویداد را مشکوک دانسته و از احتمال «عمدی بودن» آن برای نابود کردن اسناد مهم فساد مالی نگران هستند. براساس ادعای موجود، در شفاخانه ولایتی کووید-۱۹ غور، بودجه کرونا حیف‌ومیل شده و احتمال دارد برای سرپوش گذاشتن بر فساد مالی، آتش‌سوزی به گونه عمدی انجام شده باشد. اداره بازرس می‌گوید بررسی‌هایش نشان می‌دهد که در مصرف بودجه کرونا در غور، «منفعت عامه» در نظر گرفته نشده و برخی مقام‌های محلی به لوی‌سارنوالی معرفی شده‌اند. اداره محلی غور پافشاری دارد که شماری از کارکنان شفاخانه کووید-۱۹ به دلیل غفلت وظیفه‌ای به نهادهای عدلی و قضایی معرفی شده‌اند. ریاست صحت عامه غور، می‌پذیرد که بخشی از امکانات اداری شفاخانه کووید-۱۹ در آتش سوخته، اما این رویداد عمدی نبوده است. برخی نماینده‌گان غور در شورای ولایتی و مجلس نماینده‌گان کشور خواهان بررسی دقیق این رویداد هستند و تأکید می‌کنند که هرگونه قضاوت پیش از تکمیل تحقیقات هیأت تعیین شده، قابل پذیرش نیست و باید بررسی‌ها به پایان برسد.

چند روز پیش شفاخانه کووید-۱۹ ولایت غور به گونه مرموز آتش گرفت. فعالان مدنی آتش‌سوزی شفاخانه ویژه کرونا را پرسش‌برانگیز می‌دانند. نثاراحمد کوهین، از فعالان مدنی این ولایت، در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح می‌گوید که دلیل آتش‌سوزی «پنهان کردن فساد مالی» در مصرف بودجه این مرکز درمانی است. او پافشاری دارد که نگرانی‌هایی در پیوند به مصرف بودجه کرونا در غور وجود دارد و ریاست صحت عامه معلومات چگونه‌گی مصارف بودجه را با مردم شریک نکرده است.

حسن حکیمی، یکی دیگر از فعالان مدنی غور، از حکومت مرکزی خواهان تعیین هیأتی بی‌طرف برای بررسی دقیق رویداد آتش‌سوزی شفاخانه کووید-۱۹ است. از دید او، فعالیت این مرکز درمانی برای مهار ویروس ضروری است، اما بخش بزرگی از امکانات شفاخانه طعمه آتش شد و هیأت مرکزی باید این رویداد را بررسی کند و اصل قضیه را با مردم و فعالان مدنی در میان بگذارد. برخی اعضای شورای ولایتی غور، خواهان بررسی جدی این رویداد هستند و تأکید دارند که حکومت باید به مردم در پیوند به این رویداد وضاحت بدهد.

فضل‌الحق احسان، رییس شورای ولایتی غور، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که دلیل آتش‌سوزی غفلت وظیفه‌ای کارکنان شفاخانه است. کرام‌الدین رضازاده، عضو مجلس نماینده‌گان، در صحبت با روزنامه ۸صبح از آتش گرفتن بخش مهمی از امکانات این شفاخانه ابراز نگرانی می‌کند. به گفته او، هنوز دلیل آتش‌سوزی مشخص نیست و ابراز نظر قبل از مشخص شدن نتیجه بررسی‌های هیأت، زود است.

ریاست سارنوالی غور پافشاری می‌کند که به محض رسیدن پرونده رویداد آتش‌سوزی شفاخانه ۲۰ بستر کووید-۱۹ به این نهاد، بررسی‌ها در پیوند به وقوع حادثه آغاز می‌شود. عبدالمعروف فایق، رییس سارنوالی غور، می‌گوید که هنوز بررسی هیأت اداره محلی در این زمینه نهایی نشده و با رسیدن پرونده به سارنوالی، تحقیقات در این زمینه به گونه جدی آغاز می‌شود. ریاست صحت عامه غور پافشاری دارد که به دنبال آتش‌سوزی در شفاخانه ۲۰ بستر درمان بیماران کرونا، بیش‌تر از دو میلیون افغانی امکانات اداری این مرکز در آتش سوخته، اما آتش‌سوزی عمده نبوده است. جمعه‌گل یعقوبی، رییس صحت عامه غور، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که عامل آتش‌سوزی غفلت وظیفه‌ای کارکنان بوده است. او می‌افزاید که در این حادثه تمام امکانات اداری شفاخانه که در «هشت کانتینر» نگهداری می‌شد، در آتش سوخت، اما به اسناد مصارف بودجه ویژه کرونا که حدود ۲۰ میلیون افغانی است، بیماران بستری در شفاخانه و کارمندان، آسیبی نرسیده است.

بر مبنای معلومات مقام‌های محلی غور، بازجویی از هشت کارمند و پزشکان شفاخانه برای مشخص شدن چگونه‌گی رویداد آغاز و عامل اصلی آتش‌سوزی به زودی مشخص می‌شود، اما رییس صحت عامه غور تأکید دارد که عامل آتش‌سوزی، سوختن بخاری بخش اداری شفاخانه است.

اداره محلی غور می‌گوید که تحقیقات یک هیأت متشکل از نهادهای گوناگون دولتی در پیوند به این قضیه جریان دارد. عارف عابر، سخنگوی والی غور، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که هنوز علت دقیق رویداد مشخص نیست، اما پس از بررسی‌ها مشخص خواهد شد.

براساس یافته‌های اداره بازرس ریاست جمهوری، در مصرف بودجه ویژه کرونا در ولایت غور «منفعت عامه» در نظر گرفته نشده است. فیروز بشری، سخنگوی این نهاد، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که بررسی‌های آنان نشان می‌دهد بخشی از بودجه برای خریداری‌های غیرضروری مصرف شده است. به گفته او، شماری از مقام‌های محلی این ولایت در پیوند به مصارف نادرست بودجه کرونا به سارنوالی معرفی شده‌اند. از جانب دیگر، فعالان مدنی غور پافشاری دارند که آتش‌سوزی عمدی است و برای نابود کردن اسنادی که نشان‌گر فساد مالی بود، شفاخانه آتش گرفته است.

با گذشت حدود سه هفته از آتش‌سوزی در شفاخانه کووید-۱۹ غور، هنوز اطلاعات دقیقی از چگونه‌گی این رویداد در دست نیست و روایت مقام‌های محلی و فعالان مدنی در پیوند به این حادثه متفاوت است، اما به نظر می‌رسد نیاز است که پیوند آتش‌سوزی با فساد در مصرف بودجه کرونا باید به گونه دقیق بررسی شود.

مشقت‌های کار رسانه‌ای در شمال کابل؛

خبرنگاران با خون دل چرخه آزادی بیان را می‌چرخانند

شعیب حکیمی

هم‌زمان با گسترش دامنه جنگ به سراسر کشور و کاهش کمک‌های مالی، ده‌ها رسانه تصویری، صوتی و چاپی در ولایت‌های پروان، کاپیسا و پنجشیر با مشکل مواجه شده‌اند. مقام‌های محلی و مسوولان رسانه‌ها در این ولایت‌ها می‌گویند که به دلیل مشکلات امنیتی ساحه پوشش و فعالیت رسانه‌ای به ویژه در پروان و کاپیسا تنگ‌تر شده است. در حال حاضر در پروان ۵۰ تا ۶۰ خبرنگار مصروف کار رسانه‌ای‌اند. این آمار در کاپیسا به ۳۰ تا ۵۰ نفر و در پنجشیر به ۱۵ نفر می‌رسد. خبرنگاران با نگرانی از وضعیت امنیتی، می‌گویند که تاکنون نیز با مشکلات بسیاری به کارشان ادامه داده‌اند. این در حالی است که خلاف گذشته، اکنون بانوان کم‌تر به کار رسانه‌ای در این سه ولایت علاقه نشان می‌دهند و از بابت وضعیت امنیتی نامناسب نگرانی دارند.

خبرنگاران در پروان: اگر اراده قوی نبود، صدای آزادی بیان خاموش می‌شد

پروان با داشتن چهار تلویزیون، ۱۱ شبکه رادیویی و ۲۴ رسانه چاپی بیش‌ترین شمار رسانه‌ها را در ولایات شمال کابل دارد. رحمت الله رحیمی، یکی از مسوولان ریاست اطلاعات و فرهنگ ولایت پروان، به روزنامه ۸صبح گفت: «وضعیت اطلاع‌رسانی در پروان نسبتاً خوب است، اما رسانه‌ها در مجموع از آغاز فعالیت‌شان تا حالا مشکلات جدی خود را دارند که عمده‌ترین‌شان چالش‌های مالی و اقتصادی است.» آقای رحیمی، از نهادهای دولتی خواست تا اعلاناتی را که آن‌ها برای رسانه‌ها می‌سپارند، تنها در محدوده کابل نباشد و تبلیغاتی که ساحات تحت پوشش آن‌ها ولایات است، به رسانه‌های محلی نیز داده شود.

روشنا خالد، مسوول یکی از رسانه‌های خصوصی در پروان که توسط بانوان رهبری می‌شود، می‌گوید که در روزهای نخست ۱۸ نفر در این رادیو مصروف کار بودند، اما به دلیل شوع ویروس کرونا و تهدیدات امنیتی، رقم کارمندان کاهش یافته است. به گفته بانو خالد، چهار سال پیش هم‌زمان با ایجاد رادیو برین، بسیاری از دانشجویان دختر در رشته ژورنالیزم برای کار عملی به این رادیو مراجعه می‌کردند، اما با توجه به افزایش تهدیدهای امنیتی، علاقه بانوان در این ولایت به کار رسانه‌ای کم‌تر شده است.

احمد هنایش، رییس مرکز رسانه‌ای و جامعه مدنی کهکشان، گفت که هرچند تهدیدات امنیتی و مشکلات مالی رسانه‌ها نسبت سال‌های گذشته در این ولایت افزایش یافته، اما با آن هم رسانه‌ها به فعالیت‌شان در این ولایت ادامه داده‌اند. آقای هنایش افزود: «تا حدی در کیفیت فعالیت رسانه‌ها کاهش به وجود آمده است که با ورشکسته‌گی مواجه شدند، اما تعدادی از رسانه‌ها با وجود شرایط ناگوار از تاثیرگذاری مثبت بسیاری برخوردارند و هنوز هم استوار و سر پا هستند. نوید هم همین است که با توجه این‌که رسانه‌ها با وضعیت بدی که هیچ نوع پشتوانه اقتصادی و سیاسی ندارند، توانسته‌اند خوب عمل کنند و صدای مردم را بلند کنند.»

آقای هنایش که رادیو دنیا و رادیو کهکشان را در پروان و رادیو خراسان را در پنجشیر رهبری می‌کند، می‌گوید که او و همکارانش چندین بار مورد حمله مسلحانه قرار گرفته و دو بار شاهد پرتاب بم دستی به دفتر رادیو دنیا در پروان بوده‌اند. آقای هنایش هم‌چنان گفت: «اگر آن زمان اراده قوی برای شکل دادن آزادی بیان در این گروه وجود نمی‌داشت، همان وقت در نطفه این حرکت خاموش می‌شد.»

کمیته مصونیت خبرنگاران می‌گوید که موج حملات اخیر بر خبرنگاران و جامعه رسانه‌ای در سراسر افغانستان، خبرنگاران در ولایت‌های شمال کابل را نیز نگران کرده است. مسرور لطفی، نماینده این کمیته در پروان، گفت که در کنار مشکلات اقتصادی، خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ای مصونیت جانی ندارند و با مشکلات زیاد به کارشان ادامه می‌دهند. براساس معلومات کمیته مصونیت خبرنگاران افغان در پروان، در حال حاضر حدود ۵۰ تا ۶۰ خبرنگار و کارمند رسانه‌ای مصروف فعالیت در رسانه‌های پروان‌اند.

کاپیسا؛ ولایتی با یک تلویزیون فعال

در همجواری پروان و کابل، تنها یک تلویزیون در کاپیسا فعالیت دارد. به گفته مسوولان، تلویزیون ملی کاپیسا برای چند ساعت محدود نشرات دارد. هم‌چنان در حال حاضر چهار رادیو و دو رسانه چاپی در این ولایت نشرات دارند. عبدالمختار کوهستانی، مدیر اطلاعات ریاست اطلاعات و فرهنگ کاپیسا، در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت که رسانه ها در کاپیسا با وجود مشکلات زیاد مالی، توانسته‌اند در عرصه اطلاع‌رسانی موثر واقع شوند. آقای کوهستانی اما افزود که تاکنون چندین رسانه چاپی به دلیل نبود امکانات مالی از فعالیت باز مانده‌اند. فرزاد بهاور خاموش، یکی از خبرنگاران ولایت کاپیسا و مدیر مسوول هفته‌نامه صاحب‌دلان، در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت: «با آن‌که رسانه‌ها نقش اطلاع‌رسانی را جهت روشن ساختن اذهان عامه ایفا می‌کنند، اما در ولایت کاپیسا فعالیت‌های رسانه‌ها با توجه به شرایط کنونی چندان خوب نیست و آن را نمی‌شود عالی پنداشت.» به گفته وی، یگانه مشکل اساسی برای آنان، نبود امنیت است. آقای خاموش که صاحب امتیاز یک رسانه چاپی نیز است، می‌گوید که هفته‌نامه صاحب‌دلان را در ولایت کاپیسا تاسیس کرده است تا بتواند در میان رسانه‌ها در این ولایت جایگاه بهتر در بهبود وضعیت جامعه داشته باشد، اما این رسانه به دلیل مشکلات مالی از فعالیت باز مانده است. او از حکومت به ویژه نهادهای امنیتی خواست که امنیت جان خبرنگاران و دفاتر رسانه‌ها را تامین کنند.

در این حال، فرهاد بهروز، رییس انجمن خبرنگاران کاپیسا، در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت: «مشکلات امنیتی از مشکلات اساسی و عمده خبرنگاران کاپیسا است و در این اواخر ترورهای هدفمند بیش‌تر آن‌ها را نگران وضعیت‌شان ساخته است.» آقای بهروز افزود که در ولایت کاپیسا از میان ۵۰ خبرنگار، در حال حاضر ۳۰ تن آن‌ها عملاً در کار خبررسانی با کم‌ترین امکانات فعالیت دارند، اما متباقی به خاطر مشکلات امنیتی و مالی نتوانسته‌اند به فعالیت‌شان ادامه دهند. به گفته آقای بهروز، نبود شهر در کاپیسا و نزدیکی این ولایت به کابل، یکی از دلایلی است که روی کار رسانه‌ای سرمایه‌گذاری نشده است.

پنجشیر؛ ولایتی کوهستانی با تنها ۱۵ کارمند رسانه‌ای

پنجشیر که از امن‌ترین ولایت‌ها در حدود دو دهه گذشته در افغانستان به شمار می‌رود، اما فعالیت رسانه‌ای در این ولایت به دلیل کوهستانی بودنش کم‌رنگ است. در حال حاضر در این ولایت، تلویزیون ملی، سه رادیو و دو نشریه نشرات دارند که مخاطبان این رسانه‌ها به گفته مقام‌ها بسیار اندک است. عبدالودود علی‌مردان، رییس اطلاعات و فرهنگ پنجشیر، به روزنامه ۸صبح گفت که یکی از علت‌های عدم سرمایه‌گذاری روی رسانه‌های خصوصی در پنجشیر، پرهزینه بودن آن در این ولایت است.

به گفته آقای علی‌مردان در صورت ایجاد یک رسانه در این ولایت، برخلاف دیگر ولایات چندین پایه در نقاط مختلف نیاز است تا این رسانه بتواند بخش‌های زیادی از پنجشیر را زیر پوشش قرار دهد. رییس اطلاعات و فرهنگ ولایت پنجشیر تاکید کرد که در حال حاضر، ۱۵ خبرنگار به شمول دو زن در رسانه‌های محلی این ولایت مصروف کارند.

گفتنی است که در حال حاضر وضعیت مالی بیش‌تر رسانه‌ها در کشور نگران‌کننده خوانده می‌شود. این در حالی است که در جریان ماه‌های اخیر، تهدیدها علیه کارمندان رسانه‌ای در کشور افزایش یافته و این سبب شده است که برخی از خبرنگاران با دقت بیش‌تر به وضعیت امنیتی، کارشان را دنبال کنند.

۸صبح
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا
سال سیزدهم
شماره ۳۵۴۷
دوشنبه
۴ حوت ۱۳۹۹
۲۲ فبروری ۲۰۲۱
قیمت: ۲۰ افغانی

دشواری شرایط، پولیس را تا خط نخست نبرد کشانده است. همان‌طور که بخش کلان انرژی پولیس در جنگ به مصرف می‌رسد، تمرکز زیاد تبلیغاتی نیز در همین بخش معطوف است. مثلا، شکست طالبان در جنگ هلمند و قندهار؛ استخبارات بیرونی تلاش می‌کرد، تا در شب و روزهای این نبرد، حوزه تبلیغات پیروزی طالب را گسترده بسازد. مهم بود، اگر هلمند سقوط می‌کرد و یا سقوط ولسوالی‌های استراتژیک قندهار، برای طالبان و پاکستان اهمیت کلان داشت. با وجود همه تلاش‌ها، به خصوص در جنگ هلمند و قندهار، یک اقدام استراتژیک، تعقیبی و پیش‌گیرانه از سقوط هلمند و قندهار در برابر طالبان و ۳۰۰ تروریست خارجی جلوگیری کرد و طالبان به شکست تاریخی مواجه شدند.

دشواری سخنگویی در جنگ و صلح

طارق آرین

جنگ، جرم، جنایت، تروریسم (طالب، حقانی، داعش، القاعده، طیبه، ترکستان و...)، مجرمان سازمان‌یافته، افراد مسلح غیرمسوول و مافیای مواد مخدر، همه این‌ها جبهات داغ برای دفاع نرم محسوب می‌شوند. سخنگوی وزارت داخله در همه جبهات مزبور از بُعد تبلیغات و اطلاع‌رسانی نقش اساسی دارد. امور اداری و سازمانی تا نظارت بر کار اطلاع‌رسانی سخنگویان ولایتی، نیز بخشی از کار دفتر سخنگوی وزارت امور داخله به شمار می‌رود. بدون مبالغه، این وضع، سخنگوی امنیتی را وادار می‌کند تا کار رسمی را از مرز هشت ساعت تا ۱۸ ساعته انکشاف دهد. پهلوی دیگر کار سخنگو، حفظ توازن و تعادل دیدگاه‌های رهبری و رعایت پالیسی سکتور امنیتی است. عادت‌کردن و تسلط یافتن به همه این مسایل حوصله‌مندی و کار متواتر می‌خواهد. از این میان، جبهه جنگ روانی و ضد تبلیغ حساس‌ترین جبهه‌ای است که وقت نمی‌شناسد. تبلیغ و ضد تبلیغ، کلان‌ترین انرژی سخنگو را برای تقویت روایت غالب علیه دشمن و حمایت از نظام به مصرف می‌رساند. سخنگوی امنیتی به صورت مستقیم زیر تهدید امنیتی روانی و فیزیکی گروه‌های جرمی، افراد مسلح غیرمسوول و تروریستان قرار دارد. من به عنوان سخنگوی وزارت داخله، هر روز پیام‌های تهدیدآمیز از گروه‌های جرمی و تروریستی دریافت می‌کنم. از دریافت پیام‌های مملو از فحش و ناسزا تا سطح متفاوتِ تهدید، از تهاجم لفظی شروع تا تهدید به مرگ. عموماً پیام‌های تهدید به مرگ را از جانب طالبان تروریست دریافت می‌کنم. به طور نمونه، یک طالب در توییتر من نوشت: «زبانت دراز شده، انشاالله به‌زودی قطعش می‌کنیم.» یا دیگری نوشت: «تو را در خانه‌ات می‌کشیم، منتظر باش.» هرازگاهی گروه‌های مسلح نیز پیام سرکوب می‌فرستند. با آن‌که زیر فشار شدید خانواده و دوستان قرار گرفته‌ام، اما هیچ‌گاه ادبیات گفتاری‌ام را در مقابل این گروه‌ها تغییر نداده‌ام. باور من این است که مسوولیت سخنگویی یک ارگان امنیتی خطیر و بزرگ است. پیام سخنگوی امنیتی، پیامی به سرباز، جنرال و از رهبری تا قاعده است، پیام مورال‌دهی و انگیزه؛ بنابراین، در چنین حالت که مخاطب ما تروریستان‌اند، باید تهاجمی‌تر برخورد کرد.

جبهه جنگ سخت‌افزار

دشواری شرایط، پولیس را تا خط نخست نبرد کشانده است. همان‌طور که بخش کلان انرژی پولیس در جنگ به مصرف می‌رسد، تمرکزِ زیاد تبلیغاتی نیز در همین بخش معطوف است. مثلاً، شکست طالبان در جنگ هلمند و قندهار؛ استخبارات بیرونی تلاش می‌کرد، تا در شب و روزهای این نبرد، حوزه تبلیغات پیروزی طالب را گسترده بسازد. مهم بود، اگر هلمند سقوط می‌کرد و یا سقوط ولسوالی‌های استراتژیک قندهار، برای طالبان و پاکستان اهمیت کلان داشت. با وجود همه تلاش‌ها، به خصوص در جنگ هلمند و قندهار، یک اقدام استراتژیک، تعقیبی و پیش‌گیرانه از سقوط هلمند و قندهار در برابر طالبان و ۳۰۰ تروریست خارجی جلوگیری کرد و طالبان به شکست تاریخی مواجه شدند. این گروه زخمی‌های خود را جهت تداوی به آن‌سوی مرز انتقال دادند. مراسم تدفین اجساد شان را آن‌جا برگزار کردند. وزیر امور داخله، همان شب در عین حال که در رهبری مستقیم این جنگ دخیل بود، مسوولیت تبلیغات و اطلاع‌رسانی را نیز به دوش داشت و نخستین توییت تلفات طالب را به هدایت وزیر داخله من نشر کردم. نمونه‌های زیادی از مدیریت محاربه و تبلیغ وجود دارد که طالب را زمین‌گیر کرده است.

بخش بزرگ تلاش طالبان در جنگ و خشونت، دست‌یافتن به امتیازات بزرگ‌تر در میز مذاکره است. موج ماین‌های مقناطیسی و ترورهای هدفمند نیز بخشی از ایجاد فشار روانی طالب علیه مردم و حکومت افغانستان به حساب می‌آید.

جبهه جنگ تبلیغاتی

برخی تصور می‌کنند که طالب در جنگ تبلیغاتی دست بالا دارد. این سخن از زبان حتا شماری از خبرنگاران در نشست‌های مشترک‌شان شنیده شده که از دید من این روی‌کرد برخورد سطحی به جنگ تبلیغاتی است. تبلیغات طالب متمرکز بر جنگ و خشونت است. آنانی که ما را گاهی به عدم پاسخ‌گویی متهم می‌کنند و طالب را ارجحیت می‌دهند، به این پرسش‌ها پاسخ بدهند: آیا طالب جز کشتار پیام دیگری فرستاده؟ آیا خبری در مورد افتتاح کدام پروژه از جانب طالب نشر شده؟ آیا همین گروه نبود که ۵۰ درصد خبرنگاران را در بیست سال گذشته به شهادت رساند؟ و ده‌ها پرسش دیگر که داعیه مطروحه را خنثا می‌سازد. در این جهت، ما به هزاران پرسش و خواست اطلاعاتی مبتنی بر قانون پاسخ می‌دهیم. شب، روز، جمعه، عید و برات و همه وقت و همه‌جا خود را مکلف به ارایه معلومات موثق و سازمان‌یافته می‌دانیم. ما معتقد و پای‌بند به اصل آزادی بیان هستیم. بنابراین، روایت حاکم و غالب در بُعد تبلیغات مشروع، از آن مردم و دولت افغانستان است. طالب صرف یک روایت دارد و آن کشتار است. در سیاست و جنگ تن‌به‌تن طالب شکست خورده و سقوط کرده است. در حال حاضر، فقط دو بحث، طالب را در اذهان تکرار می‌کند:

۱. افزایش خشونت‌ها به شکل نامتعارف؛

۲. مذاکرات دوحه.

آخرین تلاش طالب برای باقی‌ماندن در اذهان، تداوم حملات تروریستی و انفجار ماین‌های مقناطیسی در کابل است. در ماه‌های نخستین، طالبان مسوولیت انفجارها را نمی‌پذیرفتند. به این معنا که نا اعلام‌شده این موج کشتار را ادامه دادند و استراتژی خاموشی اختیار کردند. هرچند مهار چنین وضعیت (تروریسم) دشوار به نظر می‌رسد، کلان‌ترین کار دست‌گیری و نشر اعترافات تروریستان طالب است؛ کسانی که اعتراف مستقیم بر عضویت گروه حقانی و طالب دارند. به شمول حمله بالای دانشگاه کابل و شفاخانه دشت برچی، همه کار طالب است. در مراحل بعدی که شواهد و اعترافات بیش‌تری با ملت شریک و آواز اعدام‌شان بلند شد، طالبان از حکومت خواستند که افرادشان اعدام نشوند، در واقع پذیرفتند که دست‌گیرشده‌گان اعضای گروه آنان هستند.

سه ثانیه فاصله با مرگ

حملات مغلق و گروهی تروریستان بالای نهادهای ملکی و نظامی جنایت بشری محسوب می‌شود. در چند سال اخیر از این دست حملات گروهی و تهاجمی بالای نهادهای دولتی و اماکن صحی، اکادمیک، ورزشی، مذهبی و تأسیسات عامه صورت گرفته است. من در جریان سه عملیات مهار حمله بالای وزارت فواید عامه، شفاخانه دشت برچی و دانشگاه کابل حضور داشتم. صحنه‌های حزن‌انگیز و اسف‌بار را شاهد هستم. معمولاً در ختم عملیات تنها چیزی را که در صحنه مشاهده می‌کنید، اجساد به زمین افتاده‌ی قربانیان است؛ قربانیانی که اغلب با برخورد یک مرمی در سر، جان داده‌اند و آن‌سوتر اجساد تروریستان وحشی که توسط قهرمانان امنیتی به هلاکت رسیده‌اند. هرباری که در ختم عملیات اجازه ورود به صحن حادثه را یافتم، چشمم به تلفن‌های افتاده که در دست قربانیان بوده و یا پهلوی‌شان افتاده است و زنگ پشت زنگ، خانواده‌های قربانیان منتظر پاسخ تماس بوده‌اند. این جنایات متأسفانه پایان نیافته است و هنوز تروریستان به دنبال فرصت حمله بالای مردم هستند.

یکی از دشوارترین وظایف در شرایط حاضر سخنگو بودن در نهادی مانند وزارت داخله است. از کوچک‌ترین رویداد تا بزرگ‌ترین آن، باید آماده پاسخ‌گویی باشید. از اتفاق یک جرم در درون خانه تا رویداد بزرگ در دل اجتماع و حتا میدان جنگ. از تلاش برای حفظ سطح رضایت رسانه تا ارایه اطلاعاتِ به موقع؛ اما در این میان تعدادی از رسانه‌ها با تأسف برای دریافت معلومات کم‌حوصله می‌شوند و یا عجله دارند. یا در حالتی که رویداد تروریستی اتفاق افتاده و ساحه هنوز از وجود تهدید رفع نشده است، برخی از خبرنگاران تأکید به حضور در ساحه رویداد را دارند، در حالی که ایجاد مصونیت فیزیکی، به‌ویژه در هنگام وقوع یک رویداد تروریستی امر حتمی است و این وظیفه پولیس است که فضای به وجودآمده را مدیریت کند. متأسفانه که با عدم رعایت این نکته ایمنی، چندسال قبل در رویداد شش‌درک تعدادی از همکاران خبرنگار هدف حمله قرار گرفتند و جان باختند. هربار تأکید و خواست بخش‌های امنیتی از همکاران رسانه‌ای این بوده است که پولیس را در قسمت ایجاد فضای امن پس از وقوع حادثه همکاری کنند؛ دیده می‌شود که برعکس ما را زیر فشار قرار می‌دهند و علاقه‌مند هستند که در صحن حادثه بروند. یکی از اهدافی که دشمن در حملات تروریستی خود استفاده می‌کند، اقدام اغفال‌کننده است. زمانی که یک انفجار رخ می‌دهد، دشمن از قبل برای گروه تجمع‌کننده دومین انفجار را سازمان‌دهی کرده و موارد بسیاری این‌چنینی رخ داده و باعث تلفات شده است. مدیریت اوضاع از دید مطبوعاتی در حالت وقوع یک رویداد تروریستی به سخنگوی وزارت امور داخله ارتباط می‌گیرد. هر بار من در ساحه حضور یافتم، معلومات ابتدایی را با رسانه‌ها و مردم شریک ساختم. کار دشواری است بودن در خط دوم نبرد نامتعارف.

در رویداد حمله بالای دانشگاه کابل، من در خط دوم بودم. در خط نخست، نیروهای خاص پولیس برای مهار تروریستان و نجات گیرمانده‌گان مصروف‌اند. من در رویداد دانشگاه کابل از مرمی که تروریست شلیک کرد، سه ثانیه فاصله داشتم. در همان رویداد یک منسوب قطعات خاص ما شهید شد. روحش شاد باد. رویداد تروریستی دو سال قبل بالای وزارت فواید عامه که جان یکی از عزیزترین‌های خانواده من را گرفت، خاطره نجات از مرگ را برایم رقم زد. آن زمان سخنگوی دفتر شورای امنیت ملی بودم. تروریستان ساعت ۳ عصر، به وزارت فواید عامه حمله کردند و ساعت ۱ شب این رویداد با کشته‌شدن تروریستان و شهادت ۴۶ انجنیر و کارمند آن وزارت پایان یافت. همان شب، ساعت یک، پس از این‌که تروریستان به هلاکت رسیدند، من با دو امنیتی به صحن وزارت داخل شدیم، امنیت ملی برایم گفته بود که ساحه صد درصد تصفیه نشده است. به هر روی، داخل رفتیم، از آشپزخانه شروع که مرمی به فرق آشپز اصابت کرده بود، تا معلول و سرباز در هرگوشه افتاده بودند، ما تنها با نور موبایل راه می‌رفتیم. یادم از فلم‌های وحشتناک می‌آمد. خون، جسدهای بی‌جان، تاریکی، سوختن در و دیوار، وجود آب‌های داغ بایلر در صحن دهلیزهای طولانی و تاریک، صدای چکیدن آب از دیوارها. قدم‌های ما روی آب داغ و اما سرخ گذاشته می‌شد. در منزل سوم و چهارم بیش‌ترین جسدها دیده می‌شد. من با نور موبایل یک‌به‌یک اتاق‌ها را بررسی کردم. منزل سوم، وقتی دروازه تشناب را باز کردم، اجساد پنج خانم سر هم افتاده و شهید شده بودند. آن‌سوتر، دختران جوان با دستکول در حال فرار به صورت افتاده و شهید شده بودند. پیر مردی که مراجعه‌کننده بود و انجنیری که روی صحن بالکن مرمی بر فرقش اصابت کرده بود. و اما پس از دو ساعت بررسی اتاق‌ها رسیدم به ساحه‌ای که یک فرد پلنگی‌پوش افتاده بود. تصور کردم محافظ وزارت است. رنگ لباسش مایل به سبز بود، نور موبایل را به سویش گرفتم، سینه‌به‌زمین افتاده بود و هیچ تحرکی نداشت. نمی‌دانستند که تروریست زخمی بود. شاید همان لحظه به هوش نبود تا ما را هدف قرار دهد. پس از ما تیم دیگری که بررسی داشت، از امنیت ملی بود و به محض رسیدن بالای سر این تروریست مورد هدف قرار گرفت. باشنیدن صدای فیر از بیرون صدا آمد که چه کسی فیر کرد؟ ما صدا زدیم که از جانب ما نبود. فیر را تروریست زخمی بالای کارمندان امنیت ملی کرده بود و یکی از آنان زخم برداشت. از ساحه خارج شدیم، ساعت ۳ شب است. دوباره نیروهای سی.آر.یو برای کشتن این تروریست حضور یافتند. هنوز اجساد همه به داخل افتاده بود. ساحه دوباره انسداد شد و تا ۶ صبح نیروهای خاص پولیس عملیات تصفیه را ادامه دادند. من جسد انجنیر هابیل، خواهرزاده‌ام را که ۲۴ سال سن داشت، ساعت ۱۰ صبح تسلیم شدم. او تازه در مربوطات وزارت فواید عامه مقرر شده بود و مانند صدها جوان دیگر در دل خاک دفن شد. این جنابات تروریستان و طالبان را تاریخ هرگز فراموش نخواهد کرد. ما در مبارزه خود علیه دشمنان مردم افغانستان ادامه می‌دهیم و من با این شعار زنده‌گی می‌کنم: «من برای وطنم نفس می‌کشم».

Publisher:
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief:
Mujib Mehrdad
mujib_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

۸صبح
روایت دیروز | آئینه امروز | نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مدیرمسوول: مجیب مهرداد mujib_mehrdad@yahoo.com
سردبیر: خلیل اسیر 8am.daily@gmail.com
دبیر گزارش‌ها: حسیب بهش
دبیر بخش خبر: علی‌شاه حقمل
دبیر بخش صلح: آسیه حمزه‌ای
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

دبیر بخش ویدیو: محمدنصیر کاوشگر
خبرنگاران: عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، هما همتا، الیاس طاهری، زهرا عطایی، احمدشاه شاداب، حفیظ علی‌خیل، توفان عمری، شعیب حکیمی، پرویز کامروز
ویراستاران: علی نظری، اسحق‌علی احساس
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش اعلان: ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹ – ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: تایمنی، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است.
سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

Hasht e Subh Daily
8 am.af
Yesterday's Narrative | Today's Mirror | Tomorrow's Hope

13th Year ◇ No: 3547 ◇ Monday ◇ 22 February, 2021 ◇ Price: 20 Afs

تانکر حامل ۴۴ میلیون لیتر نفت ایران «مخفیانه» به ونزویلا رسید

به گزارش دویچه‌وله فارسی، تانکر «فارست» سومین تانکری است که از سوی جمهوری اسلامی به طور غیرقانونی سوخت و نفت به ونزویلا حمل کرده است.
گفته می‌شود که این تانکر حامل ۴۴ میلیون لیتر نفت بوده است. ونزویلا با کمبود شدید نفت و سوخت روبه‌رو است.
شرکت «تانکرترکرز» که حرکت تانکرها و حمل نفت را رصد می‌کند، با انتشار یک پست توییتری خبر از تحویل مجدد سوخت از سوی ایران به ونزویلا داده است. در این پست توییتری آمده است: «محموله‌ای بالغ بر ۴۴ میلیون لیتر پترول به طور مخفیانه به ال پالیتو ارسال شده است.»
«تانکرترکرز» در ادامه نوشته است که تانکر فارست، سومین تانکری است که ایران با استفاده از آن محموله سوختی خود را به ونزویلا منتقل کرده است.
پیش از تانکر فارست، تانکرهای فورچون و فاکسون نیز از سوی ایران برای حمل مخفیانه نفت به ونزویلا اعزام شده بودند.
شرکت ردیابی تانکرها گزارش خود را براساس شش هفته تحقیق پیرامون انتقال این محموله سوختی منتشر کرده است.
ونزویلا با کمبود شدید سوخت روبه‌رو است. این کشور روزانه به ۱۱۰ هزار بشکه پترول و ۱۰۰ هزار بشکه دیزل نیاز دارد. این در حالی است که پالایشگاه‌های این کشور به علت فرسوده‌گی و عدم دسترسی به قطعات یدکی، عمدتاً فلج شده‌اند.
مجموعه ظرفیت تولید سوخت روزانه ونزویلا ۳۸ هزار بشکه اعلام شده است. ایران ضمن صدور پترول به ونزویلا، به دولت نیکلاس مادورو در زمینه راه‌اندازی مجدد پالایشگاه‌های آن کشور کمک می‌کند.
گفته می‌شود جمهوری اسلامی ایران در ازای صدور سوخت و لوازم تکنیکی به ونزویلا از آن کشور طلا دریافت می‌کند.

ترمپ یک ماه پس از ترک کاخ سفید، به جهان سیاست بازگشت

موضوع بر سر آینده حزب جمهوری‌خواه است. شکاف در این حزب بین طرف‌داران و مخالفان ترمپ به اوج خود رسیده است. ترمپ اعلام کرده است که یک ماه پس از پایان دوره زمامداری‌اش، در ارتباط با آینده این حزب سخنرانی خواهد کرد.
به گزارش دویچه‌وله فارسی، کنفرانس سه روزه اتحادیه محافظه‌کاران امریکا روز ۲۵ فبروری در ایالت فلوریدا آغاز به کار می‌کند. فرستنده خبری «سی‌ان‌ان» با انتشار گزارشی اعلام کرده است که دونالد ترمپ، رییس جمهور سابق امریکا، در این کنفرانس حضور خواهد یافت. سی‌ان‌ان اعلام کرده است که موعد سخنرانی دونالد ترمپ روز ۲۸ فبروری، در روز پایانی این کنفرانس خواهد بود.
منابع مطلع به خبرنگار سی‌ان‌ان اطلاع داده‌اند که ترمپ ضمن انتقاد شدید از عملکرد دولت بایدن و به ویژه انتقاد از سیاست گشایش مرزهای امریکا، به موضوع آینده حزب جمهوری‌خواه خواهد پرداخت.
این نخستین حضور سیاسی ترمپ یک ماه پس از ترک کاخ سفید است. موضوع استیضاح دوم ترمپ و همراهی برخی از نماینده‌گان و سناتورهای جمهوری‌خواه با طرح استیضاح او، باعث شکاف در این حزب شده است.
سخنرانی تند میچ مک‌کانل علیه ترمپ و هم‌چنین پاسخ ویرانگر ترمپ به اظهارات رییس فراکسیون جمهوری‌خواهان در مجلس سنا، به شکاف سیاسی در این حزب دامن زده است.
دو منبع مطلع به خبرنگار سی‌ان‌ان گفته‌اند که مایک پنس، معاون وقت دونالد ترمپ، دعوت شرکت در این کنفرانس را رد کرده است.
این در حالی است که سازمان‌دهنده‌گان این کنفرانس ابراز امیدواری کرده‌اند که پنس در تصمیم خود مبنی بر عدم شرکت در این کنفرانس تجدید نظر کند.

دومین حمله موشکی بر پایگاه نظامیان امریکا در عراق طی یک هفته

پایگاه هوایی «بَلَد» در شمال عراق، مقر نظامیان امریکایی، شامگاه شنبه، دوم حوت، هدف حمله چهار فروند موشک قرار گرفت.
رادیو فردا به نقل از خبرگزاری رویترز و به نقل از چندین مقام امنیتی گزارش داد که در جریان این حملات، یکی از نیروهای نظامی عراق زخمی شد، اما شدت جراحات آن‌قدر نیست که خطر مرگ را در پی داشته باشد.
هنوز هیچ گروهی مسوولیت حمله بر پایگاه عراق را برعهده نگرفته، اما این دومین حمله موشکی بر یک پایگاه عراقی میزبان نیروهای امریکایی است.
در حمله قبلی که ۲۷ دلو بر پایگاه اربیل اتفاق افتاد، یک پیمان‌کار نظامی نیروهای امریکایی کشته شد.
ایالات متحده اغلب این نوع حملات را به نیروهای مورد حمایت ایران در عراق نسبت داده است. به ویژه پس از کشته شدن قاسم سلیمانی، فرمانده نیروهای قدس در نزدیکی فرودگاه بغداد توسط پهپادهای امریکایی، این نوع حملات افزایش یافته است.

هم‌اکنون ۲۵۰۰ نیروی امریکایی در عراق مستقرند و نیروهای ناتو نیز برای آموزش نظامیان عراقی در این کشور هستند، اما گروه‌های شبه‌نظامی شیعه مورد حمایت ایران بر خروج نیروهای خارجی از کشور تاکید دارند.
در حملات شامگاه ۲۷ دلو، شلیک سه راکت به اطراف فرودگاه بین‌المللی اربیل در نزدیکی محل استقرار نیروهای امریکایی در شمال عراق دست‌کم ۸ مجروح و یک کشته بر جای گذاشت.
بنا بر گزارش‌ها، مسوولیت حمله روز دوشنبه را یک گروه کم‌تر شناخته شده شیعه که خود را «اولیای دم» می‌نامد، برعهده گرفته است.
طی سال گذشته بیش از ۱۰ گروه کوچک مشابه شیعه‌مذهب در عراق اعلام موجودیت کرده و حملات راکتی مختلف را به خود نسبت داده‌اند.

با واکسیناسیون حدود نیمی از شهروندان، کسب‌وکار در اسراییل به حالت عادی بازگشت

با نزدیک شدن آمار افراد واکسین شده در اسراییل به حدود ۵۰ درصد، بیش‌تر کسب‌وکارها در این کشور از روز یک‌شنبه، سوم حوت، کار خود را به صورت عادی از سر گرفتند.
به گزارش رادیو فردا، ورود به همه فروشگاه‌ها از روز یک‌شنبه برای همه‌گان آزاد و عادی شده است، اما ورود به باشگاه‌های ورزشی و تیاترها تنها با نشان دادن «کارت سبز» میسر است.
این «کارت سبز» برای کسانی صادر می‌شود که یا واکسین شده‌اند یا در دوره مصونیت پس از بهبود از بیماری کرونا به سر می‌برند.
وزارت بهداشت اسراییل برای این منظور اپلیکیشنی ساخته که به پرونده‌های پزشکی افراد مرتبط است.
برخی از تدابیر فاصله‌گذاری اجتماعی هرچند در اسراییل هم‌چنان برقرار است که بیش‌تر مربوط به تجمعات بزرگ‌تر مانند عروسی‌ها و آیین‌های مذهبی می‌شود.
اسراییل از اولین کشورها در خاورمیانه بود که به واکسیناسیون انبوه شهروندان خود اقدام کرد.
ویروس کرونا رسماً از ۲۳ دلو پارسال در اسراییل شناسایی شد و این کشور واکسین کردن مردم خود را از ۲۹ قوس امسال (۱۹ دسامبر ۲۰۲۰)، با واکسین فایزر آغاز کرد.
به نوشته شبکه خبری الجزیره، دولت اسراییل با شرکت امریکایی فایزر توافقی امضا کرده تا در ازای ارسال اطلاعات پزشکی مربوط به اثرات این واکسین روی شهروندان، مقادیر انبوه دیگر واکسین از فایزر دریافت کند.
تا کنون بیش از ۴۰ درصد از کل جمعیت ۹ میلیون و ۳۰۰ هزار نفری اسراییل واکسین شده‌اند.

جمعیت اسراییل بیش از ۹ میلیون نفر است و وزارت بهداشت این کشور اعلام کرده که اکنون بیش از ۴۵ درصد از آن‌ها دوزهای واکسین فایزر را دریافت کرده‌اند.
داده‌های وزارت بهداشت اسراییل نشان می‌دهد که این واکسین موفق شده خطر ابتلای افراد به کرونا را تا ۹۵.۸ درصد کاهش دهد. با ادامه این روند، نخست‌وزیران اسراییل و یونان نیز توافق کرده‌اند که گردشگری شهروندان واکسین شده دو کشور بدون نیاز به تست کرونا یا الزام به قرنطین شدن از سر گرفته شود.
در میان کشورهای خاورمیانه، به جز اسراییل، کشورهای عربستان و امارات متحده و چند کشور دیگر زدن واکسین به شهروندان خود را از مدتی پیش آغاز کرده‌اند.